



پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۲۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین بلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام) ۶۴۶۳-۰۲۱

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلمچی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدیدآورانگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	ابوالفضل بهاری، محمدابراهیم تونندهجانی، آروین حسینی، محمد حمیدی، امیر زراندوز، علی شهبازی، علیرضا عیدی، سعید عزیزخانی، امیر محمودیان
علوم و فنون ادبی	سید علیرضا احمدی، محسن اصغری، عزیز الیاسی پور، سید علیرضا علویان، سجاد غلامپور سیوکی، فرهاد فروزان کیا، مجتبی فرهادی، یاسین مهدیان، هومن نمازی، سید محمد هاشمی
جامعه‌شناسی	ریحانه امینی، زینب آذری، آرزینا بیدقی، فاطمه صفری، شهریار عبدالله
عربی زبان قرآن	ولی برجی، بهروز حیدرکی، حمیدرضا قاندامینی، سیدمحمدعلی مرتضوی، سیده محیا مؤمنی، پیروز وجان
تاریخ و جغرافیا	زهره دامیار، فاطمه سخایی، سیدعلیرضا علویان، جواد میربلوکی
فلسفه	حسین آخوندی راهنماچی، سبا جعفرزاده صابری، نیما جواهری، فرهاد قاسمی‌نژاد، علیرضا نصیری

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمدابراهیم تونندهجانی	محمد بحیرایی	ایمان چینی‌فروشان، مهدی ملازمضانی	الهه شهبازی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	یاسین مهدیان	فریبا رئوفی
جامعه‌شناسی	فاطمه صفری	فاطمه صفری	کوثر شاه‌حسینی	زهره قموشی
عربی زبان قرآن	نوید امساکی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	لیلا ایزدی
تاریخ و جغرافیا	سیدعلیرضا علویان	سیدعلیرضا علویان	زهره دامیار	فاطمه فوقانی
فلسفه	سبا جعفرزاده صابری	نیما جواهری	فرهاد علی‌نژاد	زهره قموشی

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	زهره دامیار
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: زهره قموشی
حروفچین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی



ریاضی و آمار (۳)

۱- گزینه «۳»

(آروین حسینی)

به جای n در رابطه بازگشتی صورت سؤال به ترتیب مقادیر $n=1$ و

$n=2$ را جایگذاری می‌کنیم و از طرفی $a_1 = k$ است، پس داریم:

$$n=1 \Rightarrow a_1 = \frac{1}{2}(a_1 + \frac{a_1}{a_1}) = \frac{1}{2}(a_1 + 1) = \frac{1}{2}(k+1)$$

$$n=2 \Rightarrow a_2 = \frac{1}{2}(a_2 + \frac{a_1}{a_2}) = \frac{1}{2}\left(\frac{1}{2}(k+1) + \frac{k}{\frac{1}{2}(k+1)}\right)$$

از طرفی مقدار $a_3 = \frac{7}{4}$ است، پس:

$$a_3 = \frac{7}{4} \Rightarrow \frac{1}{2}\left(\frac{1}{2}(k+1) + \frac{k}{\frac{1}{2}(k+1)}\right) = \frac{7}{4}$$

$$= \frac{1}{4}(k+1) + \frac{k}{k+1} = \frac{7}{4} \Rightarrow \frac{7}{4} \times 4 \Rightarrow (k+1) + \frac{4k}{k+1} = 7$$

$$\frac{(k+1)^2 + 4k}{k+1} = 7$$

$$\frac{\text{طرفین وسطین}}{\text{وسطین}} \Rightarrow (k+1)^2 + 4k = 7k + 7$$

$$\Rightarrow k^2 + 2k + 1 + 4k = 7k + 7$$

$$\Rightarrow k^2 - k - 6 = 0 \Rightarrow (k-3)(k+2) = 0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} k=3 \checkmark \\ k=-2 \times \end{cases}$$

باید $k \in \mathbb{N}$ باشد، پس $k=3$ قابل قبول است.

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۴۶ تا ۶۰)

۲- گزینه «۳»

(سعید عزیزقانی)

رابطه بازگشتی دنباله حسابی به فرم $a_{n+1} - a_n = d$ یا

$a_{n+1} = a_n + d$ است. بنابراین دنباله داده شده حسابی است و با توجه

به رابطه بازگشتی داده شده داریم:

با توجه به سؤال $a_5 = 52$ و $a_{11} = 125$ هستند، با استفاده از رابطه

$$d = \frac{a_m - a_n}{m - n}$$

$$\begin{cases} d = \frac{a_{11} - a_5}{11 - 5} = \frac{125 - 52}{6} = \frac{73}{6} = 12 \\ d = 3k = 12 \Rightarrow k = 4 \end{cases}$$

از طرفی جمله هشتم واسطه حسابی جمله‌های پنجم و یازدهم است

بنابراین:

$$a_8 = \frac{a_5 + a_{11}}{2} = \frac{52 + 125}{2} = \frac{177}{2} = 89$$

در نهایت داریم:

$$k + a_8 = 4 + 89 = 93$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۶۱ تا ۷۲)

۳- گزینه «۱»

(مهدی ابراهیم توزنده‌فانی)

$$\begin{cases} \text{دنباله حسابی:} \\ \begin{cases} a_1 = \frac{1}{2} \\ a_2 = \frac{1}{2} + d \end{cases} \end{cases} \quad \begin{cases} \text{دنباله هندسی:} \\ \begin{cases} a'_1 = \frac{1}{2} \\ a'_2 = \frac{1}{2}q \end{cases} \end{cases}$$

$$\xrightarrow{\text{طبق فرض}} \frac{1}{2} + d = \frac{1}{2}q \Rightarrow q = 1 + 2d \Rightarrow d = \frac{q-1}{2}$$

$$\Rightarrow a_4 + a'_4 = \left(\frac{1}{2} + 3d\right) + \left(\frac{1}{2}q^3\right) = 37$$

$$\Rightarrow \frac{1}{2} + 3\left(\frac{q-1}{2}\right) + \frac{1}{2}q^3 = 37 \xrightarrow{\text{طرفین در ۲ ضرب}} 1 + 3q - 3 + q^3 = 74$$

$$\Rightarrow q^3 + 3q - 76 = 0 \Rightarrow q^3 - 64 + 3q - 12 = 0$$

$$\Rightarrow (q-4)(q^2 + 4q + 16) + 3(q-4) = 0$$

$$\Rightarrow (q-4)(q^2 + 4q + 16 + 3) = 0$$

$$\Rightarrow (q^2 + 4q + 19) \neq 0 \Rightarrow q = 4 \Rightarrow d = \frac{3}{2} \Rightarrow \frac{q}{d} = \frac{8}{3}$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای فطی و غیرفطی، صفحه‌های ۶۱ تا ۸۶)

۴- گزینه «۱»

(امیر زرانروز)

$$a_3, a_5, a_7 \xrightarrow{\text{دنباله حسابی}} 2a_5 = a_3 + a_7$$

$$2ar^6 = \underbrace{ar^2 + ar^6}_{\text{فاکتور از } ar^2} \Rightarrow 2ar^6 = ar^2(1+r^4)$$

$$\Rightarrow 2r^2 = 1+r^4 \Rightarrow r^4 - 2r^2 + 1 = 0$$

$$\xrightarrow{\text{تجزیه می‌کنیم}} (r^2 - 1)^2 = 0 \Rightarrow r^2 - 1 = 0 \Rightarrow r^2 = 1$$

$$\Rightarrow r = \pm 1 \xrightarrow{\text{دنباله هندسی غیر ثابت}} r = -1$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای فطی و غیرفطی، صفحه‌های ۶۱ تا ۸۶)



۵- گزینه «۱»

(امیر محمودیان)

جملات چهارم، هفتم و نوزدهم دنباله حسابی را به ترتیب $a + 3d$ ، $a + 6d$ و $a + 18d$ در نظر می‌گیریم. جمله چهارم دنباله هندسی واسطه هندسی بین جملات دوم و ششم است. پس داریم:

$$(a + 6d)^2 = (a + 3d)(a + 18d) \Rightarrow a^2 + 12ad + 36d^2$$

$$= a^2 + 18ad + 3ad + 54d^2 \Rightarrow 18d^2 + 9ad = 0$$

$$\Rightarrow 9d(2d + a) = 0 \xrightarrow{d \neq 0} 2d + a = 0 \Rightarrow a = -2d$$

جمله دوم دنباله حسابی ۶ است:

$$a_7 = 6 \Rightarrow a + d = 6 \xrightarrow{a = -2d}$$

$$-2d + d = 6 \Rightarrow d = -6, a = 12$$

بنابراین جملات دوم و چهارم و ششم دنباله هندسی به ترتیب برابر است با:

$$\left. \begin{aligned} t_2 = a + 3d = 12 + 3(-6) = -6 \\ t_4 = a + 6d = 12 + 6(-6) = -24 \end{aligned} \right\} \Rightarrow \frac{t_4}{t_2} = r^2 = \frac{-24}{-6} = 4$$

$$t_6 = a + 18d = 12 + 18(-6) = 12 - 108 = -96$$

$$\Rightarrow r = \pm 2$$

از آن جا که دنباله هندسی غیرافزایشی است $r = -2$ قابل قبول است.

$$t_7 = -6 \Rightarrow t_1 r = -6 \xrightarrow{r = -2} t_1 (-2) = -6 \Rightarrow t_1 = 3$$

$$S_7 = t_1 \times \frac{1 - (-2)^7}{1 - (-2)} = 3 \times \frac{1 + 128}{3} = 129$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی و غیرقطعی، صفحه‌های ۶۱ تا ۸۶)

۶- گزینه «۴»

(فرشید کریمی)

اگر بخواهیم بین دو عدد ۵ و ۳۲۰، پنج واسطه حسابی درج کنیم:

$$5 \quad \boxed{\quad} \quad \boxed{\quad} \quad \boxed{\quad} \quad \boxed{\quad} \quad \boxed{\quad} \quad 320$$

از خاصیت دنباله حسابی استفاده می‌کنیم:

$$2b = a + c \Rightarrow 2x = 320 + 5 \Rightarrow 2x = 325 \Rightarrow x = 162.5$$

و اگر بخواهیم بین دو عدد ۵ و ۳۲۰، پنج واسطه هندسی درج کنیم:

$$5 \quad \boxed{\quad} \quad \boxed{\quad} \quad \boxed{\quad} \quad \boxed{\quad} \quad \boxed{\quad} \quad 320$$

از خاصیت دنباله هندسی استفاده می‌کنیم:

$$b^2 = ac$$

$$y^2 = 5(320) \Rightarrow y^2 = 1600 \Rightarrow y = 40$$

اگر در گزینه «۴» به جای x عدد $162/5$ و به جای y عدد ۴۰ بگذاریم تساوی درست است.

$$x - y = 122/5 \Rightarrow 162/5 - 40 = 122/5$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی و غیرقطعی، صفحه‌های ۶۱ تا ۸۶)

۷- گزینه «۴»

(امیر زراندوز)

$$\text{مجموع } 20 \text{ جمله } 20 = S_{40} - S_{20} = (2 - 3^{41}) - (2 - 3^{21})$$

$$= 2 - 3^{41} - 2 + 3^{21} = 3^{21} - 3^{41}$$

$$\text{نسبت خواسته شده} = \frac{3^{21} - 3^{41}}{3^{21}} = \frac{3^{21}(1 - 3^{20})}{3^{21}} = 1 - 3^{20}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطعی، صفحه‌های ۸۰ و ۸۱ تا ۸۹)

۸- گزینه «۳»

(اسمان غنی‌زاده)

در هر یک از دنباله‌های A و B ، قدرنسبت و اولین جمله مشترک را به دست می‌آوریم:

$$A = 8, 11, 14, 17, \dots \Rightarrow d_A = 3$$

$$B = 2, 7, 12, 17, \dots \Rightarrow d_B = 5$$

$$17 = \text{اولین جمله مشترک}$$

ک. م. ق. م. قدرنسبت‌های دو دنباله A و B برابر با $3 \times 5 = 15$ است. اگر

دنباله جدید را با C_n نشان دهیم، آنگاه داریم:

$$C_n = an + b = 15n + 2$$

$$\Rightarrow 100 \leq 15n + 2 \leq 999 \Rightarrow \frac{98}{15} \leq n \leq \frac{997}{15}$$

$$\Rightarrow 7 \leq n \leq 66$$

پس تعداد عددهای سه رقمی مشترک برابر است با:

$$66 - 7 + 1 = 60$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه‌های ۶۱ تا ۷۲)

۹- گزینه «۲»

(امیر زراندوز)

با توجه به اطلاعات سؤال، با یک دنباله هندسی مواجه هستیم:

$$a_1 = 200 \text{ و } r = \frac{100 + k}{100} = \frac{100 + 10}{100} = \frac{110}{100} = 1/1$$

$$a_n = 480 \text{ جمله آخر } n = ?$$

$$a_n = a_1 r^{n-1} \Rightarrow 480 = 200(1/1)^{n-1}$$

$$\Rightarrow (1/1)^{n-1} = \frac{480}{200} = 2/4$$

$$\xrightarrow{\text{طبق فرض سؤال}} (1/1)^{n-1} = (1/1)^9 \Rightarrow n-1=9 \Rightarrow n=10$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطعی، صفحه‌های ۷۴ تا ۸۶)



۱۰- گزینه «۲»

(معمداً ابراهیم توزنده یانی)

دنباله داده شده یک دنباله هندسی با قدرنسبت ۲ است. از طرفی می دانیم حاصل ضرب چند عدد با پایه یکسان برابر است با عددی توان دار با همان پایه و توان برابر مجموع توان های اعداد است.

یعنی: $A^m \times A^n \times A^k = (A)^{m+n+k}$ حال داریم:

$$2^1 \times 2^2 \times 2^3 \times 2^4 \times \dots \times 2^{20} = (2)^{1+2+3+\dots+20}$$

همان طور که ملاحظه می کنید توان ها یک دنباله حسابی با جمله اول ۱ و جمله آخر ۲۰ و قدرنسبت ۱ را تشکیل می دهند لذا برای محاسبه مجموع توان ها:

$$S_n = \frac{n}{2}(a_1 + a_{\text{آخر}}) = \frac{20}{2}(1+20) = 210$$

$$\Rightarrow (2)^{1+2+3+\dots+20} = 2^{210}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه های ۷۴ تا ۹۵)

۱۱- گزینه «۲»

(فرشید کریمی)

ابتدا هر کدام از عبارات را ساده می کنیم:

$$\frac{1}{(3+2\sqrt{2})^{-2}} \xrightarrow{\text{به خاطر توان منفی معکوس می کنیم}} (3+2\sqrt{2})^2$$

$$\xrightarrow{\text{توان ۲ می رسانیم}} 9+12\sqrt{2}+8=17+12\sqrt{2}$$

$$(-3\sqrt{2}-3\sqrt{2}-3\sqrt{2}) \Rightarrow 3(-3\sqrt{2}) = -9\sqrt{2}$$

حالا جواب کل عبارت می شود:

$$17+12\sqrt{2}-9\sqrt{2}-17=3\sqrt{2}=\sqrt{18}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه های ۹۰ تا ۹۵)

۱۲- گزینه «۳»

(علیرضا عبری)

با ساده کردن داریم:

$$5^{-1} \times (0/8)^4 \times \left(\frac{16}{50}\right)^{-3}$$

$$= \left(\frac{1}{5}\right)^1 \times \left(\frac{8}{10}\right)^4 \times \left(\frac{50}{16}\right)^3 = \frac{1}{5} \times \left(\frac{4}{5}\right)^4 \times \left(\frac{25}{8}\right)^3$$

$$= \frac{1}{5} \times \left(\frac{2^2}{5}\right)^4 \times \left(\frac{25}{8}\right)^3 = \frac{1}{5} \times \frac{2^8}{5^4} \times \left(\frac{5^2}{2^3}\right)^3$$

$$= \frac{1 \times 2^8 \times 5^6}{5 \times 5^4 \times 2^9} = \frac{5^6 \times 2^8}{5^5 \times 2^9} = \frac{5}{2}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه های ۹۰ تا ۹۵)

۱۳- گزینه «۲»

(اسمان غنی زاره)

با ساده کردن داریم:

$$\frac{\left(\frac{5}{2}\right)^{-7} \times (0/0016)^4}{(0/064)^2 \times (0/4)^6} = \frac{\left(\frac{2}{5}\right)^7 \times (16 \times 10^{-4})^4}{(64 \times 10^{-3})^2 \times (4 \times 10^{-1})^6}$$

$$= \frac{2^7 \times 5^{-7} \times 2^{16} \times 10^{-16}}{2^{23} \times 5^{-7} \times 2^{-16} \times 5^{-16}} = \frac{2^7 \times 5^{-7} \times 2^{16} \times 10^{-16}}{2^{12} \times 10^{-12} \times 2^{12}}$$

$$\frac{10^{-12}}{2^{12} \times 5^{-12}} = 2^{-12} \times 5^{-12} = \frac{2^7 \times 5^{-23}}{2^{12} \times 5^{-12}} = 2^{-5} \times 5^{-11}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه های ۹۰ تا ۹۵)

۱۴- گزینه «۱»

(ابوالفضل بجاری)

اگر ریشه پنجم عددی ۲- باشد، آن عدد $(-2)^5$ یعنی ۳۲- است. پس

$$-5x+3 \text{ برابر } 32- \text{ است:}$$

$$-5x+3 = -32 \Rightarrow -5x = -35 \Rightarrow x = 7$$

ریشه سوم عدد $9x+1$ را می خواهیم:

$$\sqrt[3]{9x+1} \Rightarrow \sqrt[3]{9(7)+1} = \sqrt[3]{64} = 4$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه های ۸۷ تا ۹۰)

۱۵- گزینه «۲»

(اسمان غنی زاره)

$$A(1,13) \Rightarrow f(1) = 13 \Rightarrow ab^1 + 1 = 13 \Rightarrow ab = 12 \quad (1)$$

$$B\left(\frac{1}{3}, 7\right) \Rightarrow f\left(\frac{1}{3}\right) = 7 \Rightarrow ab^{\frac{1}{3}} + 1 = 7 \Rightarrow ab^{\frac{1}{3}} = 6 \quad (2)$$

با تقسیم رابطه (۱) بر رابطه (۲) داریم:

$$\frac{1+2}{ab^{\frac{1}{3}}} = \frac{12}{6} \Rightarrow b^{\frac{1}{3}} = 2 \Rightarrow \sqrt[3]{b} = 2 \Rightarrow b = 8$$

$$\Rightarrow a \times 8 = 12 \Rightarrow a = \frac{12}{8} = \frac{3}{2}$$

$$\Rightarrow f(x) = 3 \times 2^x + 1 \Rightarrow f\left(\frac{a+b}{a-b}\right) = f\left(\frac{3+8}{3-8}\right) = f(-1)$$

$$\Rightarrow f(-1) = 3 \times 2^{-1} + 1 = \frac{3}{2} + 1$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه های ۹۶ تا ۱۰۳)



۱۶- گزینه «۲»

(آروین حسینی)

محور x ها را با طول ۱- قطع می کند، پس:

$$f(-1) = 0 \Rightarrow a \left(\frac{1}{2}\right)^{-2} - b = 0 \Rightarrow 4a - b = 0 \quad (I)$$

محور y ها را با عرض ۱۰ قطع می کند، پس:

$$f(0) = 10 \Rightarrow a \left(\frac{1}{2}\right)^{-1} - b = 10 \Rightarrow 2a - b = 10 \quad (II)$$

با حل دستگاه دو معادله دو مجهول (I) و (II)، مقدار a و b را

به دست می آوریم:

$$\begin{cases} 4a - b = 0 \\ 2a - b = 10 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} 4a - b = 0 \\ -2a + b = -10 \end{cases}$$

$$2a = -10 \Rightarrow a = -5, b = -20$$

حال مقدار $a = -5$ و $b = -20$ را در تابع $f(x)$ قرار داده و ضابطه تابع

$f(x)$ را تعیین می کنیم:

$$f(x) = a \left(\frac{1}{2}\right)^{x-1} - b$$

$$\Rightarrow f(x) = -5 \left(\frac{1}{2}\right)^{x-1} + 20$$

مقدار تابع f در $x = a$ برابر است با:

$$f(a) = f(-5) = -5 \left(\frac{1}{2}\right)^{-6} + 20 = -5(64) + 20$$

$$= -320 + 20 = -300$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه های ۹۶ تا ۱۰۳)

۱۷- گزینه «۴»

(مهمر عمیری)

با توجه به فرمول روبهرو داریم:

$$f(t) = C(1+r)^t \xrightarrow[r=0.03]{C=5}$$

$$f(t) = 5 \times 1.06(1+0.03)^t \xrightarrow[t=8]{f(8)} f(8) = 5 \times 1.06(1+0.03)^8$$

$$f(8) = 5(1.03)^8 \times 1.06 \text{ نفر}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه های ۱۰۳ تا ۱۰۵)

۱۸- گزینه «۳»

(مهمر عمیری)

$$f(t) = C(1-r)^t \xrightarrow[r=0.1]{C=20} f(t) = 20(1-0.1)^t$$

$$= 20(0.9)^t \text{ میلیون یورو}$$

$$\xrightarrow{t=5} f(5) = 20(0.9)^5 \times 10^6 \text{ یورو} = 20 \times 0.59049 \times 10^6$$

$$= 2 \times 5904900 = 11809800 \text{ یورو}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه های ۱۰۳ تا ۱۰۵)

۱۹- گزینه «۳»

(امیر زرنروز)

می دانیم پس از گذشت هر نیمه عمر، مقدار ماده نصف می شود، لذا داریم:

$$6 \xrightarrow{+2} 3 \xrightarrow{+2} 1.5 \xrightarrow{+2} 0.75$$

$$3 \times (\text{نیمه عمر}) = (\text{یک هفته}) \Rightarrow 3 \times x = 7 \times 24$$

$$\Rightarrow x = \frac{7 \times 24}{3} = 56 \text{ ساعت}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه های ۹۶ تا ۱۰۵)

۲۰- گزینه «۱»

(علی شهرایی)

ابتدا تعداد نیمه عمرها را حساب می کنیم:

$$n = \frac{\text{کل زمان}}{\text{طول یک دوره}} = \frac{6 \times 24}{18} = 8$$

در رابطه جای گذاری می کنیم:

$$A_n = A_0 \times \left(\frac{1}{2}\right)^n \Rightarrow A_8 = 192 \times \left(\frac{1}{2}\right)^8$$

$$= 3 \times 2^6 \times \frac{1}{2^8} = \frac{3}{4} = 0.75 \text{ میلی گرم}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه های ۹۶ تا ۱۰۵)



علوم و فنون ادبی (۳)

۲۱- گزینهٔ «۲»

(عزیز الیاسی‌پور)

تشریح موارد نادرست:

«تهران مخوف» اثر مشفق کاظمی و «ارزیابی شتاب‌زده» مجموعه‌مقالات جلال آل‌احمد است. «تنفس صبح» نیز سرودهٔ قیصر امین‌پور است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۷۲ تا ۷۴ و ۷۷)

۲۲- گزینهٔ «۱»

(عزیز الیاسی‌پور)

ادیبانی چون هوشنگ ابتهاج، حسین منزوی، علی محمد افغانی و محمود دولت‌آبادی به این گروه تعلق دارند.

سید حسن حسینی و نصرالله مردانی از شاعران پیش‌کسوت ادبیات انقلاب‌اند و علیرضا قزوه از شاعران جوان نسل انقلاب است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

۲۳- گزینهٔ «۲»

(مجتبی فرهراری)

رعایت‌نشدن تساوی طولی مصراع‌ها: «ادبی»/سادگی و روانی جملات: «زبانی»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: ابهام در شعر: «ادبی»/معنی‌گریزی: «ادبی»

گزینهٔ «۳»: ورود لغات و ترکیبات امروزی: «زبانی»/استفاده از انواع واژگان: «زبانی»

گزینهٔ «۴»: گرایش به نماد: «ادبی»/کاربرد صور خیال نو: «ادبی»

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۹۶ و ۹۷)

۲۴- گزینهٔ «۱»

(یاسین مهریان)

متن صورت سؤال بخشی از اثر «آن بیست و سه نفر»، به قلم «احمد یوسف‌زاده» می‌باشد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحهٔ ۱۲۱)

۲۵- گزینهٔ «۳»

(سیدعلیرضا علویان)

پس از وقایع کودتای ۲۸ مرداد، نوعی سرخوردگی و یأس در میان روشنفکران و شعرا پیدا شد و در این دوره، یعنی دورهٔ سوم شعر معاصر قبل انقلاب، جریان سمبولیسم اجتماعی یا شعر نو حماسی رواج یافت.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

۲۶- گزینهٔ «۴»

(سیدعلیرضا علویان)

«آتش خاموش» اولین تجربهٔ داستان‌نویسی سیمین دانشور، «مهاجر کوچک» از آثار محمدرضا سرشار (رضا رهگذر)، «تلخ و شیرین» از محمدعلی جمال‌زاده و «سه‌تار» از مجموعه داستان‌های جلال آل‌احمد است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۷۴ و ۷۹)

۲۷- گزینهٔ «۲»

(فرهار فروزان‌کیا)

از بنیادی‌ترین ویژگی‌های فکری سبک‌شناسی شعر انقلاب، انعکاس عمیق فرهنگ دفاع مقدس است که با واژگان و اصطلاحات جبهه و جنگ در ابیات «الف»، «ج» و «ه» انعکاس یافته است.

تشریح ابیات دیگر:

ب) این بیت ملک‌الشعراى بهار، ویژگی خاصی مرتبط با سطح فکری شعر انقلاب ندارد.

د) این بیت پروین اعتصامی، ویژگی خاصی مرتبط با سطح فکری شعر انقلاب ندارد؛ بیتی ساده در وصف گردن‌کشی‌های نمود است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی و مفهوم، صفحهٔ ۱۰۰)

۲۸- گزینهٔ «۴»

(هومن نمازی)

در همهٔ ابیات به‌جز بیت «ب» اختیار بلند بودن هجای پایانی دیده می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۸۳ تا ۸۶)

۲۹- گزینهٔ «۲»

(سیار غلام‌پور سیوکی)

وزن این بیت، «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلن» می‌باشد که وزنی ناهمسان است و «فاعلن» در پایان مصراع دوم به «فعلن» تبدیل شده است. (ابدال)

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۳۰- گزینهٔ «۳»

(مجتبی فرهراری)

وزن مصراع گزینهٔ «۳»، وزن همسان «مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن» است.

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، ترکیبی)

۳۱- گزینهٔ «۴»

(سیار غلام‌پور سیوکی)

وزن این مصراع، «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» است و فاقد اختیار وزنی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: وزن این مصراع، «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» است و هجای پایانی آن بلند تلقی می‌شود.

گزینهٔ «۲»: وزن این مصراع، «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلن» است و بنا بر اختیار ابدال، فعلن به فعلن تبدیل شده است.

گزینهٔ «۳»: وزن این مصراع، «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» است و هجای پایانی آن، بلند تلقی می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۸۳ تا ۸۶)



۳۲- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا علویان)

وزن این بیت، «فاعلاتن مفاعیلن فعلن» (در اصل فاعلاتن مفاعیلن فعلن) از اوزان ناهمسان است که در آن سه بار حذف همزه یافت می‌شود؛ در این (ذ رین)، خراب‌آباد (خ را با باد)، چند است (چَن دست).

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن (همسان دولختی)» سه بار حذف همزه: من از (م نَز)، ترسم ای (تر سَ می)، جز اینکه (جُ زین کِ).

گزینه «۲»: «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن (ناهمسان)» دو بار حذف همزه: دیده‌ام از (دی دِءَ مَز)، در این (ذ رین)

گزینه «۳»: «مستفعلن فع مستفعلن فع (همسان دولختی)» یک بار حذف همزه: آه از (آهَز)

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۳۳- گزینه «۲»

(یاسین موریان)

این بیت، در وزن «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن» سروده شده است. ابدال: در رکن سوم مصراع دوم، به جای آن که شاعر از «مفتعلن (-UU-)» استفاده کند، از «مفعولن (- -)» بهره برده است. / بلندبودن هجای پایانی: با توجه به دولختی بودن وزن بیت، این اختیار شاعری می‌تواند در هجای پایانی نیم‌مصراع‌ها نیز رخ بدهد. در نیم‌مصراع سوم بیت، «بخش» یک هجای کشیده است که باید به شکل هجای بلند در نظر گرفته شود.

این بیت، فاقد اختیار شاعری «قلب» و «آوردن فاعلاتن به جای فاعلاتن» می‌باشد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۸۳ تا ۸۶)

۳۴- گزینه «۱»

(سیدعلیرضا اهمری)

وزن بیت، «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن» است و در ابتدای مصراع نخست، سه هجای بلند به چشم می‌خورد، این بدان معناست که مفتعلن اول به مفعولن تبدیل شده است. (تبدیل مفتعلن با ساختار «-UU-» به مفعولن با ساختار «---» از مهم‌ترین اشکال اختیار وزنی ابدال است). هم‌چنین در ابتدای مصراع دوم، مفتعلن به مفاعیلن تبدیل شده است که این مورد نیز از موارد اختیار وزنی قلب است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: وزن بیت، «مفعول مفاعیل مفاعیل فعل» است و بنابر اختیار وزنی ابدال، چهار هجای بلند در پایان مصراع اول به چشم می‌خورد و وزن بیت را به «مفعول مفاعیل مفاعیلن فع» تغییر داده است.

گزینه «۳»: وزن بیت، «مفعول مفاعیل مفاعیل فعل» است و بنابر اختیار وزنی قلب، رکن دوم در مصراع دوم (مفاعیل) به مفاعیلن (ز ر ی ت) تبدیل شده است. البته واژه «تو» با تغییر کمیت مصوت «تُ» تلفظ می‌شود.

گزینه «۴»: وزن بیت، «مفتعلن مفتعلن فاعلن» است و اولین رکن (مفتعلن) در مصراع دوم، به مفاعیلن تبدیل شده است. (گ ر ت پ دین)

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۸۵ و ۸۶)

۳۵- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا اهمری)

اختیارات بیت صورت سؤال:

ابدال: آوردن «فعلن» به جای فعلن در پایان هر دو مصراع

حذف همزه: «بگوی اگر» ← پ گوی گر

بلند بودن هجای پایانی: هجای پایانی هر دو مصراع کشیده است که باید بلند تلقی شود.

توجه: واژه «بیا» به شکل «بِ یا» تقطیع می‌شود و این مقوله، اختیار شاعری نیست؛ بلکه از قواعد و اصول عروض شعر فارسی به‌شمار می‌رود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۳۶- گزینه «۳»

(هومن نمازی)

بحر گزینه «۱»، رمل مثنی محذوف است؛ بحر گزینه «۲»، رمل مسدس سالم است؛ بحر گزینه «۴»، رمل مثنی سالم است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۷ و ۱۰۸)

۳۷- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا علویان)

وزن این گزینه درست ذکر شده است؛ ضمناً مصوت کوتاه «ت» در «غربت» هجای بلند تلفظ می‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: وزن بند یا مصراع دوم آن، «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن (فعلن)» می‌باشد.

گزینه «۲»: وزن مصراع دوم آن «مفعول فاعلن» است؛ هم‌چنین مصوت کوتاه «ی» در «سوی» هجای بلند تلفظ می‌شود.

گزینه «۳»: وزن آن «فعلات فاعلاتن / فعلات فاعلاتن» می‌باشد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)



۳۸- گزینهٔ «۳»

(مبتدی فخرهاری)

تشبیه: «آتش قهر» (اضافهٔ تشبیهی) / تناقض: جانسوز بودن لطف عشق / حسن تعلیل: خندان بودن آتش، سبب اشک کباب است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: تشبیه: «آیین دل» (اضافهٔ تشبیهی) / تناقض: آتش روشن نشد ولی خس سوخت. / حسن تعلیل: بیت فاقد حسن تعلیل است.

گزینهٔ «۲»: تشبیه: «بند میخن» ← (میخن: جمع مکسر محنت) / تناقض:

بیت فاقد تناقض است. / حسن تعلیل: شاعر آزادگی سرو را به سبب برخاستن برای بندگی قامت یار می‌داند.

گزینهٔ «۴»: تشبیه: «خون شفق» (اضافهٔ تشبیهی) / تناقض: بیت فاقد

تناقض است. / حسن تعلیل: شاعر شفق را پنجهٔ حنایی خورشید دانسته و خورشید دست خود را نگارین کرده تا به دست یار شباهت پیدا کند.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریج، ترکیبی)

۳۹- گزینهٔ «۴»

(یاسین موریان)

فاقد اسلوب معادله / لف‌ها: ۱- خال، ۲- زلف؛ نشرها: ۱- دانه، ۲- دام = لف و نشر مرتب

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: فاقد اسلوب معادله / فاقد لف و نشر [توجه داشته باشید که

بیت، بدین شکل خوانده می‌شود: شقایق نه بدان لطف / سمن نه بدان بوی / صنوبر نه بدان بالا]

گزینهٔ «۲»: اسلوب معادله: مصراع اول، در حکم مصداق و نمونه‌ای برای مصراع دوم است. [توجه داشته باشید که استفهام انکاری مصراع دوم، شما را

گمراه نکند. در اصل، مصراع دوم بدین شکل است: دل من و تو را نمی‌توان به هم پیوند داد.] / لف‌ها: ۱- شیشه، ۲- سنگ؛ نشرها: ۱- دل من، ۲- دل

تو = لف و نشر مرتب

گزینهٔ «۳»: فاقد اسلوب معادله / فاقد لف و نشر [توجه داشته باشید که «همانند بقای شکوفه‌بودن» و «همانند عشق‌بازی بلبل بودن»، هر دو مفهوم

یکسان «عمر کوتاه داشتن» را بیان می‌کنند و نمی‌توان بین آن‌ها تمایزی قائل شد که آن‌ها را به لف مناسب خود، نسبت داد؛ بنابراین، وجود لف و

نشر، منتفی است.]

(علوم و فنون ادبی (۳)، بریج معنوی، ترکیبی)

۴۰- گزینهٔ «۴»

(سیدعلیرضا امیری)

بیت گزینهٔ «۴»، دارای حس آمیزی «شهد تبسم» و فاقد حسن تعلیل است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: لف و نشر: «دلیم» با «شیشه» مرتبط است و «دلت» با «خارا» در ارتباط است. حتماً می‌دانید که دل معشوق همچون خارا (سنگ محکم) سخت است و دل عاشق، همچون شیشه، شکستنی است!

تشبیه: رابطهٔ شباهت بین لف‌ها و نشرها - «سنگدل» تشبیه درون‌واژه‌ای است.

گزینهٔ «۲»: «دور» در دو معنای دوران و چرخش شراب آمده است (ایهام).

واژهٔ «کام» در معنای آرزو و مراد است و معنای انحرافی آن (سقف دهان) با لب در تناسب است. (ایهام تناسب)

گزینهٔ «۳»: تشبیه مرجح و مضمیر یار به سرو - استعاره: سرو من ← یار

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریج، ترکیبی)

۴۱- گزینهٔ «۲»

(سیدعلیرضا امیری)

ایهام: «دور از تو»: ۱- دور از تو باد ۲- به خاطر دوری از تو / حس آمیزی:

شکرخواب (درهم آمیختن دو حس چشایی و حس انتزاعی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: جناس: «سینه» و «کینه» / فاقد حسن تعلیل

گزینهٔ «۳»: لف و نشر: تناظر فعل‌های ماضی، مضارع و مستقبل در دو مصراع / فاقد اغراق

گزینهٔ «۴»: تشبیه: «چون عسس» / فاقد اسلوب معادله؛ چرا که در مصراع

دوم، ترکیب «این می پر زور» اشارهٔ مستقیم به عشق دارد و این بدین معناست که مصراع دوم استقلال معنایی ندارد. معنای بیت: عشق، گریبان ما

را به دست کسی نداد و این می پر زور (عشق) مانند پاسبان ما را گرفت.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریج، ترکیبی)

۴۲- گزینهٔ «۳»

(ممن اصغری)

متناقض‌نما: بندگان، شهریاران (پادشاهان) هستند.

ایهام تناسب: شهریار: ۱- تخلص شاعر (معنای مورد نظر) ۲- پادشاه (معنای

مورد نظر نیست؛ اما با بندگی تناسب دارد.)

جناس: بر و در (درگاه) - شهریار (تخلص شاعر) و شهریار (پادشاه)

واژه‌آرایی: در و دوست

(علوم و فنون ادبی، بریج، ترکیبی)



۴۳- گزینه «۳»

(علیرضا علویان)

استعاره: «دل دیوار» اضافه استعاری و استعاره مکنیه / اسلوب معادله: مصراع دوم در حکم مثال و مصداقی برای مفهوم ذکرشده در مصراع اول است؛ همچنین دو مصراع استقلال معنایی دارند و وجود عناصر برابری چون خاطرات تلخ و میخ کج، از یاد بردن و از دیوار کندن، نشان از وجود اسلوب معادله است. / حس آمیزی: خاطرات تلخ (ترکیب حس + امور انتزاعی) / بیت حسن تعلیل ندارد. (رد گزینه ۱) / بیت لف و نشر ندارد. (رد گزینه ۲) / بیت ایهام ندارد. (رد گزینه ۴)

۴۴- گزینه «۳»

(مهسن اصغری)

ایهام: باری دگر: ۱- یکبار دیگر ۲- خلاصه (در نتیجه) بعد از این تشبیه: بُستان جمال - ما بلبل گلزار توایم اغراق: بزرگ‌نمایی شاعر در توصیف دم و آه

لف و نشر: لف‌ها: چهره و موی - نشرها: شام و سحر (لف و نشر نامرتب) (علوم و فنون ادبی، بیان و بریح، ترکیبی)

۴۵- گزینه «۴»

(مهتبی فراه‌ری)

بیت «الف»: اسلوب معادله: بیت دارای اسلوب معادله هست؛ زیرا مصراع دوم مثالی برای روشن‌تر شدن مصراع اول است. / بیت «ب»: حس آمیزی: نکته رنگین / «ج»: حسن تعلیل: آفتاب از دیدن چهره زیبای تو احساس شرم می‌کند؛ بنابراین آستین خود (ابر) را بر جلوی چهره خود می‌گیرد. / بیت «د»: تلمیح: بیت تلمیح دارد به داستان حضرت سلیمان (ع) و انگشتی او (علوم و فنون ادبی (۳)، بریح معنوی، ترکیبی)

۴۶- گزینه «۳»

(فراه‌ فرورزان‌کیا)

مفهوم کلی بیت صورت سؤال: بازگشت یار، شادی‌آفرین است و سراسر رحمت و نعمت. سعدی در این بیت، بر این باور است که راحت و رنج تقدیر همه جلوه‌های از رحمت گسترده الهی است = همه جلوه‌های آفرینش (تلخ و شیرین) رحمت و زیبایی است.

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: شهریار بر این باور است که اساساً آمدن یار شادی‌بخش است و طبع شاعرانه او را برای سرودن بی‌قرارتر می‌کند. بیت هم‌مفهوم با بیت صورت سؤال است.

گزینه «۲»: سنایی در این بیت، از معشوق گلایه می‌کند که من همیشه به فکر توام و نامت ورد زبانم است، اما تو اصلاً مرا به‌سوی خود نمی‌خوانی. بیت ارتباطی به مفهوم بیت صورت سؤال ندارد، پس تقابلی هم با آن نمی‌تواند داشته باشد.

گزینه «۳»: شاعر در این بیت، چاره غم‌های خود را در آمدن یار نمی‌بیند (پرسش انکاری) و آن را انکار می‌کند. بنابراین، این گزینه با بیت صورت سؤال تقابلی معنایی دارد.

گزینه «۴»: شاعر در این بیت، آمدن یار را سراسر رحمت و شادمانی می‌داند (هم‌مفهوم با بیت صورت سؤال).

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۱۱۱)

۴۷- گزینه «۲»

(مهسن اصغری)

مفهوم مشترک ابیات: در ابیات مرتبط بر این مفهوم تأکید شده است که اگر معشوق (مخاطب) در حق عاشق، لطف نمی‌کند، آزار هم نرساند.

مفهوم بیت گزینه «۲»: شاعر زخم و درد را مرهم و درمان درد دل خود می‌داند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۱۲۰)

۴۸- گزینه «۴»

(مهسن اصغری)

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه «۴»: مدارا و ملایمت در مقابل دوستان و دشمنان

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: در مقابل دشمن نادان تواضع و مدارا پیش بگیر تا آسیبی به تو نرسد.

گزینه «۲»: برای در امان ماندن از آسیب دشمنان، با دوستان همنشین باش.

گزینه «۳»: با دوستان همنشین هستیم و با دشمنان سر جنگ خواهیم داشت.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۱۰۰)

۴۹- گزینه «۱»

(سیرمهر هاشمی)

در این گزینه، شاعر (حافظ) می‌گوید: با خاطر غمگین و ناراحت، نمی‌توان شعرهای شاد سرود و چشمه ذوق آدمی در این هنگام نمی‌جوشد. در بیت صورت سؤال نیز گفته شده است: دیگر ذوقی برای سرودن وجود ندارد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۸۷)

۵۰- گزینه «۱»

(سیرمهر هاشمی)

در این گزینه، سخن از بدعهدی روزگار است؛ اما در گزینه‌های دیگر و بیت صورت سؤال، از بدعهدی یار گله شده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۹۳)



جامعه‌شناسی (۳)

۵۱- گزینهٔ «۴»

(زینب آذری)

- لازمهٔ سازمان این است که اعضای آن، اهداف سازمان را قبول کنند.

- سازمان مهم‌ترین منبع قدرت در جوامع کنونی است.

- جامعه‌شناسی تفسیری، سیاست و قدرت را پدیده‌های ارزشی و معنادار می‌داند اما فقط آن‌ها را توصیف می‌کند و ملاک و معیاری برای داوری علمی سیاست و قدرت ارائه نمی‌دهد.

نکته: جامعه‌شناسی انتقادی، دیدگاه‌های تبیینی و تفسیری را محافظه‌کار و منفعلانه قلمداد می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۶۲ و ۶۷)

۵۲- گزینهٔ «۲»

(زینب آذری)

وجه مشترک قدرت تنبیهی و قدرت تشویقی این است که در هر دو، پیروی‌کننده نسبت به تبعیت خود آگاهی دارد. در قدرت تنبیهی به دلیل اجبار و در قدرت تشویقی برای پاداش پیروی می‌کند. قدرت اقماعی برخلاف این دو روش با تغییر نگرش و اعتقاد فرد تابع قدرت، اعمال می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحهٔ ۶۰)

۵۳- گزینهٔ «۲»

(زینب آذری)

تشریح موارد نادرست:

ارتباط میان شخصیت و قدرت تنبیهی، تأثیر خود را بر نحوهٔ نگرش و رفتار افراد همچنان خواهد داشت.

مالکیت بیشتر با قدرت تشویقی نزدیکی و قرابت دارد.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۵، ۶۱ و ۶۷)

۵۴- گزینهٔ «۴»

(زینب آذری)

- تصمیم‌گیری دربارهٔ مسائل مشترک و رفع اختلاف‌ها و تضادهای میان افراد و گروه‌هایی که با هم زندگی می‌کنند، «سیاست» و «عمل سیاسی» را در زندگی اجتماعی پدید می‌آورد.

- وجه محسوس سیاست، قدرت است.

- امروزه از سهم مالکیت فروکاسته شده و در مقابل، نقش سازمان، افزایش یافته است؛ به‌گونه‌ای که بیشترین قدرت‌ها درون سازمان‌ها متمرکز شده‌اند. به همین دلیل در شرکت‌های بزرگ از سهم مالکیت و نقش سهامداران کاسته شده و بر نقش مدیران و مشاوران افزوده شده است.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۶، ۵۷ و ۶۳)

۵۵- گزینهٔ «۳»

(شهریار عبدالله)

براساس تفاوت‌های اسمی مانند جنسیت و ملیت نمی‌توان افراد را بر یکدیگر برتری داد.

تفاوت در قد و هوش از جمله تفاوت‌های طبیعی و تفاوت در رنگ پوست و رنگ مو از جمله تفاوت‌های اسمی هستند.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحهٔ ۷۲)

۵۶- گزینهٔ «۳»

(شهریار عبدالله)

تشریح موارد نادرست:

نقطهٔ آغاز در مدل لیبرالی و نقطهٔ پایان در مدل کمونیستی عادلانه نیست. طرفداران عدالت اجتماعی، آزادی افراد و امکان رقابت میان آن‌ها را از بین نمی‌برند.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۷)

۵۷- گزینهٔ «۲»

(شهریار عبدالله)

طرفداران قشربندی اجتماعی معتقدند که نابرابری اجتماعی برای بقای جامعه ضرورت دارد و با تأکید بر کارکردهای قشربندی اجتماعی آن را تأیید و تثبیت می‌کنند.

براساس نظر مخالفان قشربندی اجتماعی، قشربندی اجتماعی توسط انسان‌ها پدید آمده و تداوم یا تغییر آن نیز به دست آن‌هاست.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۷)

۵۸- گزینهٔ «۱»

(شهریار عبدالله)

تشریح موارد نادرست:

غلبهٔ رویکرد تبیینی موجب شد که کار داوری دربارهٔ ارزش‌ها خارج از قلمرو علوم اجتماعی قرار گیرد و غیرعلمی قلمداد شد.

رویکرد انتقادی هیچ‌گونه حقیقت و فضیلتی را کشف نمی‌کند تا براساس آن‌ها به نقد کنش‌ها و روابط میان انسان‌ها و جوامع انسانی بپردازد.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۶، ۷۹، ۸۰ و ۸۲)

۵۹- گزینهٔ «۳»

(فاطمه صفری)

الگوی تعارف، الگوی مطلوب قرآنی، تکثر و تنوع زبانی، نژادی و قومی را، مانع وحدت و همدلی نمی‌داند.

مدل رایج سیاست‌گذاری هویتی در دورهٔ مدرن، همانندسازی بود. همانندسازی به معنای پذیرش ارزش‌ها و سبک زندگی یک گروه توسط



سایر گروه‌های جامعه بود؛ به‌گونه‌ای که همهٔ گروه‌ها همسان شوند. به عبارت دیگر، همانندسازی سیاستی بود که دولت‌ها برای از بین بردن تفاوت‌های هویتی گروه‌های مختلف و یکسان‌سازی آن‌ها در پیش گرفتند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: درست - درست

گزینه «۲»: نادرست - نادرست

گزینه «۴»: درست - درست

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۸۷، ۸۸، ۹۱ و ۹۲)

۶۰- گزینه «۴»

(فاطمه صفری)

از درون رویکرد تفسیری، جریان دیگری به‌عنوان رقیب رویکرد انتقادی شکل می‌گیرد که کارکرد علوم اجتماعی در نقد روابط و مناسبات میان افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها را برای علوم اجتماعی ناممکن می‌شمارد و راه‌هایی انسان را نه از درون علم، که در بیرون علم جست‌وجو می‌کند. روش رویکرد تفسیری، تفسیر (نگاه از درون به پدیده‌ها برای یافتن معنای آن‌ها) است.

در دورهٔ پسامدرن، هویت از منظر گروه‌های اجتماعی مختلف و توسط آن‌ها، تعریف می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۹۰، ۹۳ و ۹۵)

۶۱- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

در دوران پسامدرن، علاوه بر ثروت و قدرت، هویت و دانش نیز کانون نزاع و کشمکش می‌شوند.

مورد غضب واقع شدن بوراکومین‌ها در دوران فئودالی اشاره به مدل همانندسازی در دوران مدرن دارد.

در مدل تکثرگرا، گسترش برابری و رفع تبعیض‌های قومی و گروهی نیز در بُعد اجتماعی هویت مورد توجه قرار می‌گیرد.

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۸۸ و ۹۰)

۶۲- گزینه «۲»

(فاطمه صفری)

تأکید افراطی بر تفاوت‌ها و گوناگونی‌ها سبب چندپارگی سیاسی و فرهنگی درون جوامع می‌شود.

هر گروه، جامعه و فرهنگی می‌خواهد از چشم خودش به خود بنگرد و نه از چشم دیگران. پیدایش نظریهٔ فمینیستی معاصر، نظریهٔ آفریقایی‌تبار، نظریهٔ آمریکایی بومی و ... در علوم اجتماعی امروز، نتیجهٔ چنین مطالبه و درخواستی‌اند.

با ظهور جهان متجدد، دولت‌هایی شکل گرفتند که دیگر خود را با هویت دینی مسیحی نمی‌شناختند بلکه هویت خود را با توجه به تاریخ، جغرافیا، قومیت یا نژادشان تعریف می‌کردند.

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۸۷، ۹۱ و ۹۴)

۶۳- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

انواع عقل در معنای عام:

- عقل ابزاری (تجربی): دانشمندان برای کسب دانش دربارهٔ پدیده‌های طبیعی و مادی (محسوس) از این عقل استفاده می‌کنند و همواره به آزمون‌های حسی و روش‌های تجربی پایبندند. اصل انقباض و انبساط فلزات در علوم طبیعی و عوامل مهاجرت در جمعیت‌شناسی و ... به کمک این عقل درک می‌شوند. جامعه‌شناسی تبیینی از عقل ابزاری برای پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های اجتماعی استفاده می‌کند.

- عقل تفسیری: برای فهم و تفسیر پدیده‌های معنادار مانند کنش انسان‌ها، گفتار و متن به‌کار می‌رود. برای مثال معنای برخاستن یک فرد در جمع با کمک این عقل فهمیده می‌شود. جامعه‌شناسی تفسیری برای فهم دیگران و ارتباط با آنان یا معنابخشی و انسجام‌بخشی به زندگی اجتماعی از این عقل مدد می‌گیرد.

- عقل انتقادی: عقلی است که برای ارزیابی و داوری دربارهٔ مناسبات و ارتباطات انسانی به‌کار می‌رود؛ مثلاً وضعیت ارزش‌های عدالت و آزادی را در روابط انسانی ارزیابی می‌کند. جامعه‌شناسی تفسیری به توصیف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بسنده می‌کند ولی جامعه‌شناسی انتقادی از عقل ابزاری و عقل تفسیری عبور می‌کند و به دنبال عقلانیت دیگری می‌گردد که ظرفیت و توان داوری ارزشی و انتقادی داشته باشد و این ظرفیت و توان را در عقل انتقادی جست‌وجو می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۳)، پیشینهٔ علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه‌های ۱۰۶ و ۱۰۷)

۶۴- گزینه «۲»

(ریحانه امینی)

انواع مدینه‌ها از منظر فارابی:

- مدینهٔ جاهله: فارابی جوامعی را که از علوم عقلی بی‌بهره‌اند، «مدینهٔ جاهله» نامیده است. در جوامع جاهله علم ابزاری می‌تواند وجود داشته باشد اما علمی که از ارزش‌ها، آرمان‌ها و حقیقت زندگی سخن بگوید، وجود ندارد.

- مدینهٔ فاضله: فارابی جامعه‌ای را که بر محور علم سازمان یافته باشد، مدینهٔ فاضله می‌نامد. مدینهٔ فاضله، جامعهٔ آرمانی مورد نظر اوست. علم در مدینهٔ فاضله، به علم تجربی محدود نمی‌شود و علوم عقلی و وحیانی را نیز دربرمی‌گیرد.



«مدینه فاسقه» و «مدینه ضاله» در نظریه فارابی، جوامعی هستند که در نتیجه انحراف از مدینه فاضله شکل گرفته‌اند.

- مدینه فاسقه: مدینه فاسقه جامعه‌ای است که در اثر انحراف عملی از مدینه فاضله به وجود می‌آید. در مدینه فاسقه با آنکه مردم علوم وحیانی و عقلانی را می‌شناسند، اما از آن بهره نمی‌گیرند. یعنی با آنکه مردم حقیقت و عدالت را می‌شناسند یا امکان شناخت آن را دارند، براساس آن عمل نمی‌کنند.

- مدینه ضاله: مدینه ضاله جامعه‌ای است که در اثر انحراف نظری از مدینه فاضله شکل می‌گیرد. در مدینه ضاله، نظرات علمی پذیرفته شده در مدینه فاضله هم تحریف می‌گردند و آرمان‌ها، ارزش‌ها و امور غیرعقلانی، آرمان‌ها و ارزش‌های عقلانی معرفی می‌شوند.

(جامعه‌شناسی (۳)، پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه ۱۰۲)

۶۵- گزینه «۴»

(ریحانه امینی)

تشریح موارد نادرست:

- فارابی علم اجتماعی را زیرمجموعه علوم انسانی می‌دانسته و آن را «علم مدنی» نامیده است.

- ابن خلدون یکی دیگر از اندیشمندان مسلمان است که با تأثیرپذیری از قرآن، به دنبال شناخت سنت‌های الهی در جامعه بود. او در مطالعات خود به روش عقلی توجه چندانی نداشت و بیشتر از روش حسی و تجربی استفاده می‌کرد و بنابراین از جامعه آرمانی سخنی نگفت.

(جامعه‌شناسی (۳)، پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه‌های ۱۰۰، ۱۰۱ و ۱۰۴)

۶۶- گزینه «۴»

(ریحانه امینی)

فارابی جوامع را براساس نوع علم، اندیشه، فرهنگ و رفتاری که دارند، به انواعی تقسیم کرده است.

(جامعه‌شناسی (۳)، پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه ۱۰۲)

۶۷- گزینه «۲»

(آرزیتا بیدرقی)

با طرح مسئله اعتباریات تعریف دقیق‌تری از موضوع علوم اجتماعی ارائه کرده است. ← علامه طباطبایی

از نخستین اندیشمندانی است که درباره لزوم قانون اساسی در دولت اسلامی سخن گفته است. ← میرزای نائینی

با توجه به دو انقلابی که طی یک قرن یعنی قرن بیستم در ایران واقع شده مقاله‌ای نوشته است ← نیکی کدی

به اعتقاد او مفهوم عقلانیت در جهان اسلام و جهان متجدد متفاوت است ← طه عبدالرحمن

(جامعه‌شناسی (۳)، افق علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه‌های ۱۱۳، ۱۱۵ و ۱۱۷)

۶۸- گزینه «۳»

(آرزیتا بیدرقی)

به رسمیت شناختن تفاوت‌های قومی و نژادی و زبانی ← علم فقه قوه‌ای است که انسان به کمک آن حقایق و قواعد جهان را می‌شناسد ← عقل خاص

به خواست و اراده انسان به وجود می‌آیند و دارای آثار و پیامدهای غیرارادی هستند ← اعتباریات

برای داوری درباره ارزش‌ها به معیار جهان‌شمولی که فراتر از محصولات اجتماعی و تاریخی انسان‌ها باشد، دسترسی ندارد ← رویکرد انتقادی

(جامعه‌شناسی (۳)، افق علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه‌های ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۱۸ و ۱۱۹)

۶۹- گزینه «۳»

(آرزیتا بیدرقی)

اندیشمندان مسلمان تفسیر را نوعی تبیین و استدلال عقلانی می‌شمارند علت ← تفسیر و تبیین در تقابل با هم قرار نمی‌گیرند.

شکل‌گیری دو انقلاب اجتماعی در یک قرن در جامعه ایران ← پیابد مرجعیت و مقبولیت علم فقه

ارائه راهکار برای برون‌رفت از بحران‌هایی مانند بحران آگاهی و بحران معنا علت ← تعامل علوم اجتماعی جهان اسلام با علوم اجتماعی جهان متجدد

(جامعه‌شناسی (۳)، افق علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه‌های ۱۱۶، ۱۱۸ و ۱۱۹)

۷۰- گزینه «۴»

(آرزیتا بیدرقی)

الف) از ظرفیت جهان‌شمول عقل نظری، عقل عملی و وحی برای داوری ارزش‌ها استفاده می‌کند. ← رویکرد انتقادی

ب) از سطوح مختلف عقل استفاده می‌کند و تبیین را به تبیین تجربی محدود نمی‌داند. ← رویکرد تبیینی

(جامعه‌شناسی (۳)، افق علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه‌های ۱۱۸ و ۱۱۹)



عربی زبان قرآن (۳)

۷۱- گزینهٔ «۲»

(همبرضا قاندامینی)

«غَرْكَ»: تو را فریب داده است / «رَبِّكَ الْكَرِيمِ»: پروردگار بخشنده‌ات (رد سایر گزینه‌ها)

نکات مهم درسی:

۱) در تست‌های ترجمه، به ضمائر متصل و متصل بسیار دقت کنیم.
۲) مراقب باشیم که ترکیب‌های وصفی و اضافی به صورت یک جملهٔ کامل ترجمه نشوند.

(ترجمه)

۷۲- گزینهٔ «۳»

(ولی بربری - ابهر)

«لِيَعْلَمَ»: (لام امر) باید بداند (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «أَنْ»: که (رد گزینهٔ ۱) / «أَقْدَمَهُمْ»: (اسم تفضیل) قدیمی‌ترین آن‌ها (رد گزینهٔ ۲) / «يَحْفَظُهُ وَ يُكْرِمُهُ»: حفظش کند و او را گرامی بدارد، او را حفظ کند و گرامیش بدارد (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

(ترجمه)

۷۳- گزینهٔ «۴»

(بهرروز هیدریکی)

«تُحِبُّ»: (فعل شرط و مضارع است) دوست داری (رد گزینهٔ ۲) / «أَنْ تُكُونَ»: که باشی (رد گزینهٔ ۱) / «مُتَّفَانًا»: خوشبین (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «لَا بُدَّ لَكَ»: هیچ چاره‌ای نداری، ناگزیری (ترجمهٔ «لک» در گزینهٔ ۲ لحاظ نشده است.)

(ترجمه)

۷۴- گزینهٔ «۴»

(سیره میا مؤمنی)

«قَدْ يَتَعَدَّى»: گاهی دست‌درازی می‌کنند، شاید دست‌درازی کنند (در ساختار «قد + فعل مضارع»، اگر «قد» را «گاهی» ترجمه کنیم، فعل بعدش را باید به صورت مضارع اخباری بیاوریم و اگر «قد» را «شاید» ممکن است ترجمه کنیم، فعل بعدش به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.) (رد گزینهٔ ۳) / «عَلَى الطَّيِّبَةِ»: بر طبیعت («در» ترجمهٔ مناسبی برای «علی» نیست.) (رد گزینهٔ ۳) / «الْوُضْعُ»: وضع (آوردن «این» در ترجمهٔ گزینهٔ ۱، نادرست است.) (رد گزینهٔ ۱) «الْوُضْعُ» معرفه است و ترجمهٔ آن به صورت نکره (وضعی) در گزینهٔ ۲ نادرست است (رد گزینهٔ ۲) / «هَكَذَا»: اینگونه، این چنین (در گزینهٔ ۱ ترجمه نشده است) (رد گزینهٔ ۱) / «الْمَشَاكِلُ»: مشکلات (معرفه است و ترجمهٔ آن به صورت نکره نادرست است) (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

(ترجمه)

۷۵- گزینهٔ «۱»

(بهرروز هیدریکی)

«رَبَّنَا هُوَ الَّذِي»: پروردگاران همان کسی است که (رد گزینهٔ ۴) / «يُنِيرُ»: نورانی می‌سازد (رد گزینهٔ ۲) / «أَمَّنَ»: (ماضی است) ایمان آورد، ایمان آورده (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «بِ» اینجا معنای «از» نمی‌دهد (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «إِفَادَةٌ»: (مفعول مطلق تأکیدی برای فعل «تَفَيْذٌ» است) قطعاً، حتماً، بی‌شک (رد گزینهٔ ۴)

(ترجمه)

۷۶- گزینهٔ «۲»

(بهرروز هیدریکی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «يَمْلَأُ» فعل مضارع غایب است و اسلوب ندا نداریم ← پُر می‌کند.

گزینهٔ «۳»: در جمله «كان» داریم و زمان عبارت مربوط به گذشته است ← تصحیح می‌کردی.

گزینهٔ «۴»: «و هناك دلائل ...» جملهٔ حالیه است، «هناك» خبر مقدم شده و معنای «وجود دارد، هست» می‌دهد ← در حالی‌که دلایلی کافی برای اثباتش وجود دارد.

(ترجمه)

۷۷- گزینهٔ «۱»

(ولی بربری - ابهر)

در گزینهٔ «۱»، «لَا تُكْنِ» فعل نهی مخاطب و به معنای (نباش) است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: «لَام» امر بر سر فعل مضارع آمده است و معنای «باید» دارد. (باید آن را بشکنیم)

گزینهٔ «۳»: «طِمْرِيَّة» مثنی است و به معنای «دو جامهٔ کهنه‌اش».

نکته: هرگاه اسم مثنی مضاف واقع شود، نون آن حذف می‌شود، در اینجا «طِمْرَيْنِ» مثنی بوده که به ضمیر «ه» اضافه شده و نون آن حذف شده است.

گزینهٔ «۴»: «يُعَلِّمُ» به معنای «یاد می‌دهد» است.

نکته: دقت کنیم که فعل «عَلَّمَ» به معنای (یاد داد) را با «تَعَلَّمَ» به معنای (یاد گرفت) اشتباه نگیریم.

(ترجمه)



۷۸- گزینهٔ «۱»

(سیره مفیاً مؤمنی)

«کمکم کن»: ساعدی (رد گزینهٔ ۳) / «آیاتی از قرآن»: آیاتِ مِنَ الْقُرْآنِ (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «به زیبایی»: (مفعول مطلق نوعی) قِراءَةُ جَمِیلَةٍ (دقت کنید صفتِ «قِراءَةُ» باید مانند خودش، مؤنث بیاید ← رد گزینهٔ ۲)

(ترجمه)

ترجمهٔ متن درک مطلب:

گاهی می‌شنویم که برخی از مردم می‌پرسند: خداوند هر زیبایی‌ای را در این دنیا پدید آورده است و بر هر چیزی تواناست، پس چرا فرشتگان را برای رساندن رسالتش فرو نفرستاد؟ و چرا پیامبر (ص) را به قدرت عجیبی مجهز نکرد تا ما را مجبور به ترک کارهای بدمان کند؟ پس خداوند به آنان پاسخ می‌دهد: «و پیش از تو، جز مردانی را که به آن‌ها وحی می‌کردیم، نفرستادیم.»

بله! پیامبران خدا (ع) همگی از (جنس) بشر هستند، با تمام آنچه از غرایز و عواطف انسانی که بشر یدک می‌کشد، تا درد را احساس کنند و نیاز را درک کنند، همان‌طور که دیگران حس می‌کنند و درک می‌کنند، ولی فرشتگان به‌خوبی قادر به درک این امور و اطلاع از آنچه در اعماق انسان می‌گذرد، نیستند.

۷۹- گزینهٔ «۴»

(سیر مفعولی مرتضوی)

«کسانی که می‌پرسند چرا پیامبر را به قدرتی عجیب مجهز نکرد؟؟»، واقعاً از مشرکان هستند!؛ مطابق متن، عبارت صحیحی نیست.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: پیامبران برای رساندن رسالت از طرف خداوند انتخاب شده‌اند! (صحیح)

گزینهٔ «۲»: پیامبران خدا همان کسانی هستند که آنچه را در درون انسان می‌گذرد، درک می‌کنند! (صحیح)

گزینهٔ «۳»: اگر بدی‌ها را ترک کنیم، آن به‌خاطر قدرتی مسلط در خارج از وجودمان نیست! (صحیح)

(درک مطلب)

۸۰- گزینهٔ «۲»

(سیر مفعولی مرتضوی)

«پیامبران هیچ قدرت عجیبی ندارند!» در متن این موضوع به‌طور کلی گفته شده و نادرست است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مردانی همانند ما و همانند پدرانمان هستند! (صحیح)

گزینهٔ «۳»: به اندازهٔ عقل‌های مردم سخن می‌گویند! (صحیح)

گزینهٔ «۴»: می‌توانند درد را احساس کنند! (صحیح)

(درک مطلب)

۸۱- گزینهٔ «۱»

(سیر مفعولی مرتضوی)

صورت سؤال، عنوان مناسب را برای متن می‌خواهد:

تشریح گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: فرستادن پیامبران (بخش عمدهٔ متن در همین رابطه است).

گزینهٔ «۲»: اعماق انسان (موضوع کلی و اصلی متن، این نیست).

گزینهٔ «۳»: ویژگی‌های فرشتگان (موضوع کلی و اصلی متن، این نیست).

گزینهٔ «۴»: درک نیازها (موضوع کلی و اصلی متن، این نیست).

(درک مطلب)

۸۲- گزینهٔ «۳»

(سیر مفعولی مرتضوی)

«لازم» نادرست است؛ «جَهَّزَ» فعلی متعدی است و «النَّبِیِّ» مفعول آن است.

(تفلیل صرفی و اعراب)

۸۳- گزینهٔ «۲»

(سیر مفعولی مرتضوی)

«معرفة بالعلمیة» نادرست است؛ «الأنبیاء» اسم خاص (علم) نیست، اسم علم باید در ذهن تنها یک مصداق داشته باشد.

(تفلیل صرفی و اعراب)

۸۴- گزینهٔ «۳»

(پیروز و بان)

جنود ← جنود (منادا اگر مضاف‌الیه داشته باشد، منصوب خواهد بود)

الکُفَر ← الکُفَر (مضاف‌الیه اعراب مجرور دارد، نه منصوب)

صحابة ← صحابه

تذکره: شاید در تشخیص مبتدا و منادا دچار مشکل شوید؛ بهترین راه برای

تشخیص، بررسی کلمات و جملات بعدی است، آمدن کلمهٔ پرسشی و فعل

مخاطب در جمله، می‌تواند نشان دهد اسم ابتدای جمله منادا بوده است.

(ضبط مرکبات)



۸۵- گزینه «۳»

(سیره مہیا مؤمنی)

عبارت عربی می‌گوید «دوست نباید به خاطر عیبی که در او هست ترک شود»، اما بیت فارسی مفهوم کاملاً متفاوتی دارد؛ بیت فارسی می‌گوید به جای ایراد گرفتن از اصول و معیارها، خودمان را باید اصلاح کنیم. مفهوم محوری سایر گزینه‌ها چنین است:

گزینه «۱»: ارزشمندی قناعت

گزینه «۲»: ضرورت حفظ زبان

گزینه «۴»: اختیار در انتخاب راه و روش

(مفہوم)

۸۶- گزینه «۲»

(پیروز ومان)

صورت سؤال عبارتی را می‌خواهد که در آن اسم تأکید شده وجود دارد: «حامد» در گزینه «۲» با «فقط، تنها» ترجمه می‌شود و مورد تأکید است؛ هرگاه مستثنی‌منه از جمله حذف شده باشد، اسم بعد از «إلا» دارای تأکید است و همراه با «فقط، تنها» ترجمه می‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «إِنَّ» کل جمله را تأکید می‌کند، نه یک اسم را.

گزینه «۳»: «اجتهاداً» مفعول مطلق تأکیدی است که در واقع فعل جمله را تأکید می‌کند، نه اسم را.

گزینه «۴»: «الاساتید» مستثنی‌منه است که در جمله قبل از «إلا» آمده است، پس جمله مفهوم تأکید (فقط، تنها) ندارد.

(استثناء)

۸۷- گزینه «۳»

(عمیررضا قانراہینی)

در این گزینه، «استغفار» مصدر ثلاثی مزید از باب «استفعال» و مفعول مطلق نوعی است که کیفیت وقوع فعل را بیان می‌کند.

نکات مهم درسی:

مفعول مطلق نوعی، مصدری از جنس فعل جمله است که دارای صفت یا مضاف‌الیه است و کیفیت و چگونگی وقوع فعل را بیان می‌کند.

مفعول مطلق تأکیدی، مصدری از جنس فعل جمله است که وقوع فعل را مورد تأکید قرار می‌دهد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «إقبالاً» مفعول مطلق تأکیدی است که فعل را مورد تأکید قرار داده است.

گزینه «۲»: «ذِکْراً» مفعول مطلق نوعی است، اما مصدر ثلاثی مجرد است. گزینه «۴»: «تکمیلاً» مفعول مطلق تأکیدی است که فعل را مورد تأکید قرار داده است.

(مفعول مطلق)

۸۸- گزینه «۲»

(ولی برہی - اپور)

در گزینه «۲»، «خوف» مفعول مطلق نوعی برای فعل «خفت» است. (ترجمه عبارت: وقتی که مرد صدایش را ناگهان بالا برد، همچون موش از گریه، ترسیدم.)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «سُلوک» به ترتیب اسم حروف مشبّهة بالفعل و خبر افعال ناقصه است.

گزینه «۳»: «نفعاً» مفعول (مفعول به) برای فعل «تنتظروا» است.

گزینه «۴»: «إستغفاراً» خبر لیس از افعال ناقصه است.

(مفعول مطلق)

۸۹- گزینه «۱»

(سیره مہیا مؤمنی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «یا الله» شکل صحیح این منادا می‌باشد.

گزینه «۳»: اگر بخواهیم اسم ال دار را منادا قرار دهیم، اگر مذکر باشد، از «أیتها» و در صورت مؤنث بودن از «أیتها» استفاده می‌کنیم: «الشباب» مذکر است، پس «أیتها الشباب» صحیح است.

گزینه «۴»: «التلمیذة» ال دارد، پس شکل صحیح آن «یا أیتها التلمیذة» است.

(اسلوب نداء)

۹۰- گزینه «۴»

(ولی برہی - اپور)

در همه گزینه‌ها «الهی» با توجه به ساختار جملات و کلماتی که پس از آن به کار رفته است (مثل: إحم، إجعل، أنت) منادا و به معنای (ای خدای من، خدایا) است، به جز گزینه «۴» که در آن، «إله» مبتدا واقع شده است، چون پس از آن فعل ماضی غائب به معنای (مرا یاری کرد) آمده است و معنای ندا در عبارت وجود ندارد. (ترجمه عبارت: خدای من، مرا در انجام وظایف مهمم در ایام جوانی‌ام یاری کرد!)

(اسلوب نداء)



تاریخ و جغرافیا (۳)

۹۱- گزینهٔ «۱»

(سیدعلیرشا علویان)

بی‌نتیجه ماندن قرارداد ۱۹۱۹ این نکته را به انگلیسی‌ها یادآور شد که آگاهی مردم بالا رفته و آن‌ها نمی‌توانند مانند هندوستان، ایران را به خاک بریتانیا اضافه کنند. در نتیجه مأموران انگلستان در ایران تصمیم گرفتند تا شخص مورد اعتماد خود را به حکومت برسانند تا از طریق او بتوانند به صورت غیرمستقیم اهداف خود را در ایران پیاده کنند.

(تاریخ (۳)، ایران در دورهٔ حکومت رضاشاه، صفحهٔ ۹۲)

۹۲- گزینهٔ «۱»

(پواد میربلوکی)

در زمان رضاشاه، احداث مسیر شمال جنوب راه‌آهن، دسترسی انگلستان به منابع نفتی در مناطق شمال ایران و انتقال آن به خلیج فارس (برای حمل به اروپا) را آسان می‌نمود.

(تاریخ (۳)، ایران در دورهٔ حکومت رضاشاه، صفحهٔ ۹۶)

۹۳- گزینهٔ «۴»

(پواد میربلوکی)

جامعهٔ ملل که برای کمک به حل و فصل اختلافات کشورها و جلوگیری از دشمنی و جنگ میان دولت‌ها به‌وجود آمده بود، فاقد قدرت کافی برای تحقق این هدف بود و تصمیماتش ضمانت اجرایی لازم را نداشت. حضور نداشتن برخی از کشورها در این نهاد بین‌المللی نقش مهمی در ناکامی آن داشت. آمریکا که خود پیشنهاد تأسیس جامعهٔ ملل را داده بود، به عضویت آن درنیامد.

(تاریخ (۳)، جنگ جهانی دوم و جهان پس از آن، صفحهٔ ۹۹)

۹۴- گزینهٔ «۴»

(سیدعلیرشا علویان)

هیتلر (و نه استالین) مشکلات کشور خویش را به همراه راه‌حل‌های آن توضیح می‌داد و بر لغو پیمان ورسای و تجدید غرور و اقتدار ملی تأکید می‌کرد.

(تاریخ (۳)، جنگ جهانی دوم و جهان پس از آن، صفحه‌های ۱۰۰ تا ۱۰۲)

۹۵- گزینهٔ «۴»

(پواد میربلوکی)

از جمله علل مهم مخالفت با قرارداد الحاقی گس- گلشایبان این بود که این قرارداد علاوه بر نادیده گرفتن حقوق مادی مردم ایران، حاکمیت ملی و استقلال کشور را به نوعی نقض می‌کرد و به تسلط بیگانگان بر منابع و صنعت نفت مشروعیت می‌بخشید.

(تاریخ (۳)، نهضت ملی شرف صنعت نفت ایران، صفحهٔ ۱۱۸)

۹۶- گزینهٔ «۳»

(سیدعلیرشا علویان)

انگلیسی‌ها برای جلوگیری از تصویب و اجرای قانون ملی شدن نفت، به اقدامات سیاسی، اقتصادی و نظامی متعددی دست زدند: ۱- تحریک کارگران صنعت نفت به اعتصاب گسترده از طریق منع شرکت نفت ایران و انگلیس از پرداخت فوق‌العادهٔ دستمزد آنان ۲- فرستادن کشتی‌های جنگی خود به خلیج فارس و بنادر ایران و تهدید نظامی ۳- طرح شکایت از ایران در مجامع بین‌المللی ۴- تهدید اقتصادی ایران با تعطیلی شعب بانک انگلیس، خارج کردن سرمایه‌های شرکت نفت و تحریم خرید نفت

(تاریخ (۳)، نهضت ملی شرف صنعت نفت ایران، صفحهٔ ۱۲۱)

۹۷- گزینهٔ «۳»

(پواد میربلوکی)

در ۱۷ دی ۱۳۵۶، به‌دنبال انتشار مقالهٔ توهین‌آمیز علیه امام خمینی (ره) در روزنامهٔ اطلاعات، مردم قم در ۱۹ دی ۱۳۵۶ قیام کردند، اما مأموران حکومتی آن‌ها را به خاک و خون کشیدند.

(تاریخ (۳)، انقلاب اسلامی، صفحهٔ ۱۳۵)

۹۸- گزینهٔ «۲»

(سیدعلیرشا علویان)

هیئت‌های مؤتلفهٔ اسلامی پس از تبعید امام خمینی (ره) به مبارزات مسلحانه روی آوردند و ترور حسنعلی منصور توسط این گروه انجام شد.

(تاریخ (۳)، انقلاب اسلامی، صفحهٔ ۱۳۲)

۹۹- گزینهٔ «۲»

(سیدعلیرشا علویان)

مجلس خبرگان قانون اساسی از تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان حمایت کرد. مهندس بازرگان و اعضای کابینهٔ او که با این اقدام موافق نبودند، استعفا کردند.

(تاریخ (۳)، استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی، صفحهٔ ۱۴۰)

۱۰۰- گزینهٔ «۱»

(سیدعلیرشا علویان)

اوج حماسهٔ دفاع مقدس ملت ایران در عملیات بیت‌المقدس (سوم خرداد ۱۳۶۱) و با آزادی خونین شهر (خرمشهر) از اسارت دشمن بعثی رقم خورد و برگ زرینی در دفاع از ایران در تاریخ معاصر ثبت شد.

(تاریخ (۳)، جنگ تمیمی و دفاع مقدس، صفحهٔ ۱۵۴)

۱۰۱- گزینهٔ «۳»

(زهرا دامیار)

$$۶۵ - ۲۰ = ۴۵$$

الف) اختلاف ساعت

$$\frac{۴۵}{۱۵} = ۳$$

ب) ساعت در شهر «الف»

$$۱۶ - ۳ = ۱۳$$

(پرفرا (۳)، فنون و مهارت‌های پرفرا، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)



۱۰۲- گزینه «۴»

(زهر ا دامبار)

جابه‌جایی زمین در امتداد گسل‌های فعال روی می‌دهد. فشار مداوم نیروهای زمین‌ساخت در اطراف قطعات گسل‌ها به تدریج ذخیره می‌گردد و سپس به‌طور ناگهانی با جابه‌جایی دو قطعه گسلی انرژی آزاد می‌شود.

(یغرافیا (۳)، مقاطرات طبیعی، صفحه ۱۸۴)

۱۰۳- گزینه «۳»

(زهر ا دامبار)

پوشیده شدن سطح دشت‌های سیلابی از رسوبات آبرفتی مانند (رس، شن و قلوه‌سنگ) موجب شده است که در برخی از مناطق ایران در دوره خشک و بدون بارش سال در سطح بستر سیلابی اقدام به کشت محصولات کشاورزی می‌کنند.

(یغرافیا (۳)، مقاطرات طبیعی، صفحه ۱۸۹)

۱۰۴- گزینه «۴»

(کنگور سراسری ۱۳۰۱)

با از بین بردن پوشش گیاهی، نفوذپذیری خاک کاهش می‌یابد و در نتیجه، سرعت رواناب حاصل از بارش بیشتر می‌شود.

(یغرافیا (۳)، مقاطرات طبیعی، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

۱۰۵- گزینه «۴»

(زهر ا دامبار)

نفوذپذیری خاک کاهش می‌یابد و آب باران کمتر نفوذ می‌کند و به سرعت تخلیه می‌شود.

(یغرافیا (۳)، مقاطرات طبیعی، صفحه ۱۰۸)

۱۰۶- گزینه «۴»

(زهر ا دامبار)

الف) خشک‌سالی آب و هوایی

ب) ۱- گرم شدن آب و هوای کره زمین و بی‌نظمی‌های بارش در نتیجه تغییرات اقلیمی ۲- افزایش جمعیت و مقدار مصرف آب، نبود مدیریت صحیح و بهره‌برداری نادرست از منابع آب سطحی و زیرزمینی

(یغرافیا (۳)، مقاطرات طبیعی، صفحه‌های ۹۷ و ۹۹)

۱۰۷- گزینه «۱»

(کنگور سراسری دی ۱۳۰۱)

ویژگی‌های طبیعی حوضه رود در میزان سیل‌خیزی آن اثر دارد. هر قدر حوضه آبخیز یک رود، وسیع‌تر باشد آبدهی آن نیز بیشتر است. شکل حوضه، شیب و تعداد انشعابات حوضه نیز رابطه مستقیمی با سیل‌خیزی رود دارند. حوضه‌های آبخیز از نظر شکل به سه گروه گرد، دراز و پهن تقسیم می‌شوند. هر چه شکل حوضه آبخیز گردتر و شیب آن بیشتر باشد، سیل‌خیزتر است. به عکس، هر چه حوضه درازتر و کشیده‌تر باشد، سیل‌خیزی آن کمتر است.

در حوضه‌های گرد، مدت زمان کمتری صرف می‌شود تا آب آبراه‌ها خارج شوند؛ زیرا در حوضه‌های گرد به علت انشعابات پراکنده سرشاخه‌ها که طول آن‌ها تقریباً به یک اندازه است، همه جریان‌ها هم‌زمان به خروجی می‌رسند و موجب سرریز و وقوع سیل می‌شوند. به عکس در حوضه‌های کشیده، مدت زمان طولانی‌تری سپری می‌شود تا آب جاری مسافت سرچشمه تا خروجی را طی کند و در نتیجه آب سرشاخه‌ها به تدریج و به‌طور متوالی از حوضه تخلیه می‌شوند.

(یغرافیا (۳)، مقاطرات طبیعی، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

۱۰۸- گزینه «۲»

(خاطمه سفایی)

گستره زمین‌لغزش‌ها بسیار کمتر از مخاطراتی مانند زمین‌لرزه است؛ یعنی طول و عرض اغلب توده‌های لغزشی کمتر از یک کیلومتر است و بنابراین، خسارت‌های آن چندان فراگیر نیست.

(یغرافیا (۳)، مقاطرات طبیعی، صفحه ۱۰۷)

۱۰۹- گزینه «۳»

(خاطمه سفایی)

با ایجاد سدهای خشکه‌چین یا سدهای گابیونی با استفاده از تورهای سیمی و قطعات سنگ، نه تنها می‌توان از فرسایش خاک جلوگیری کرد، بلکه می‌توان مقدار نفوذ روان آب حاصل از باران را افزایش داد.

(یغرافیا (۳)، مقاطرات طبیعی، صفحه ۱۰۹)

۱۱۰- گزینه «۳»

(خاطمه سفایی)

سنجش از دور، دانش و فن جمع‌آوری اطلاعات از پدیده‌های سطح زمین از طریق مشاهده غیرمستقیم با استفاده از سنجنده‌ها و پردازش اطلاعات دریافت شده است.

تصاویر قرار داده‌شده در نرم‌افزار گوگل ارث، اغلب در طیف مرئی تهیه شده‌اند و پدیده‌هایی را نشان می‌دهند که در سطح زمین با چشم قابل مشاهده‌اند.

(یغرافیا (۳)، فنون و مهارت‌های یغرافیایی، صفحه‌های ۱۱۱ و ۱۱۲)



فلسفه دوازدهم

۱۱۱- گزینه «۲»

(علیرضا نمیری)

عقل نظری به بررسی صدق و کذب گزاره‌ها می‌پردازد، در حالی که وظیفه عقل عملی بررسی خوب و بد است. واژگان درست و نادرست را نیز به دو نحو می‌توان به کار برد که یک معنای آن صادق و کاذب است، و معنی دیگر خوب و بد. معنی اول آن به عقل نظری مربوط است و معنی دوم آن به عقل عملی. حال باید دید که نحوه استعمال این لغات در کدام گزینه متفاوت است. این کلمه در گزینه اول به طور واضح به معنی صدق و کذب به کار رفته است (رد گزینه ۱). در گزینه سوم و چهارم نیز به همین صورت است؛ زمانی که ما محتوای یک کتاب یا دین را از حیث علمی‌اش بررسی می‌کنیم (حتی اگر آن علم اخلاق باشد) در حیطه عقل نظری هستیم. با این‌که گزاره‌های اخلاقی در واقع نشأت گرفته از عقل عملی هستند اما بررسی شرایط ذهنی و روحی انسان و عوامل تأثیرگذار در فعل اخلاقی نیز از کاربردهای عقل نظری است (رد گزینه‌های ۳ و ۴). اما آنچه در گزینه دوم مطرح شده با سایرین متفاوت است. در این گزینه منظور از درستی و نادرستی فهم حسن یا قبح عمل است، برای مثال اینکه دزدی کار خوبی است یا نه اشاره به عقل عملی دارد.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۳)

۱۱۲- گزینه «۲»

(نیما پواهری)

فلاسفه الهی معتقدند که علم عقول مجرد و برتر از ماده، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست، بلکه این موجودات (فرشتگان) حقایق را بی‌واسطه شهود می‌کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیاز ندارند.

بدیهی بودن شناخت با شهودی بودن آن متفاوت است.

نتیجه: شناخت عقول مجرد (فرشتگان) شناختی حاضر و آماده نظیر بدیهیات نیست، بلکه آن‌ها هم به تعقل می‌پردازند و شناخت کسب می‌کنند. فقط با این تفاوت که شناختشان بی‌واسطه و شهودی است و از مفاهیم و استدلال مفهومی بی‌نیاز است (رد بخش اول گزینه‌های ۱ و ۳).

این فیلسوفان همچنین معتقدند که روح هر انسانی نیز استعداد رسیدن به چنین مرتبه‌ای از وجود را دارد و روح او می‌تواند در مرتبه عالم عقل قرار بگیرد و حقایق را از طریق شهود به دست آورد. او می‌تواند با تهذیب نفس

به مرتبه‌ای برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد شود و در عین استفاده از قوه استدلال، همچون فرشتگان، بسیاری از حقایق را نیز شهود نماید. (پس انسان پس از رسیدن به مرتبه عقول توان شهود را هم کسب می‌کند ولی این به معنای گذر از استدلال و از دست دادن قوای عقلی نیست (رد بخش دوم گزینه‌های ۳ و ۴)).

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۴)

۱۱۳- گزینه «۴»

(سبا پعفرزاده صابری)

از نظر اوگوست کنت، عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می‌شود، به واقعیت دست می‌یابد و به «علم» می‌رسد. بنابراین، از نظر کنت عقل فقط از طریق علم تجربی می‌تواند به شناخت واقعیت نائل شود.

این دیدگاه به تدریج در میان فیلسوفان اروپایی گسترش یافت و توانایی عقل محدود به امور تجربی و حسی گردید.

علت رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فرانسویس بیکن که روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می‌دانست، از فیلسوفان خواست که از بت‌هایی که فلاسفه قدیم برای ما ساخته‌اند، دست بردارند و بیش از گذشته بر تجربه تکیه کنند. پس بیکن نظری در مورد رد کل شناخت‌های عقلی نداشت. شناخت تجربی خود یکی از اقسام شناخت‌های عقلی است.

گزینه «۲»: در همان ابتدای دوره رنسانس، اختلافی میان فلاسفه درباره محدودۀ کارآمدی عقل آغاز شد و به تدریج رشد کرد. پس تقسیم‌بندی فلاسفه اروپا به دو دسته در همان ابتدای دوره رنسانس بود، نه پس از مدت‌ها و در پایان رنسانس.

گزینه «۳»: دکارت به همه توانایی‌های عقل، مانند بدیهیات عقلی، استدلال‌های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می‌تواند وجود خدا و نفس مجرد غیرمادی انسان و اختیار او را اثبات کند. البته او دیگر به عالم عقل به‌عنوان یک عالم برتر و متعالی در جهان عقیده‌ای نداشت.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)



۱۱۴- گزینه «۳»

(علیرضا نمیری)

با توجه به تعالیم پیامبر و پیشوایان دینی، کمتر کسی در عالم اسلام پیدا شده است که با عقل به‌طور مستقیم و صریح مخالفت ورزد و اصل آن را انکار کند. بنابراین مخالفت‌هایی که با عقل صورت گرفته عموماً از دو طریق بوده است: (۱) محدود کردن حیطة توانایی‌های عقل. (۲) پذیرش عقل و در عین حال، مخالفت با فلسفه و منطق به‌عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی (تأیید گزینه ۳).

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: در تمدن اسلامی کمتر کسی پیدا شده که عقل را به کلی از ارزش ببیندازد و آن را یک‌سره باطل بداند. (در میان عُرفاً مخالفت‌هایی با خود عقل دیده می‌شود اما آنان نیز ارزش عقل را تماماً انکار نمی‌کردند و بیشتر منکر توانایی عقل در شناخت معارف الهی بودند).

گزینه «۲»: دسته اول مخالفان عقل، عقل را در برخی مسائل دین (مثلاً بحث حسن و قبح، وجود و اوصاف خدا و ...) ناکارآمد می‌دانستند؛ نه فقط در بحث احکام شرعی.

گزینه «۴»: هیچ‌کس مدعی نیست که تمامی سخنان ارسطو یا افلاطون مخالف تعالیم اسلام است. به هر حال بین هر دو اندیشه مشترکاتی نیز وجود خواهد داشت، ممکن نیست که دو شیوه فکری از هر جهت و تمامی جهات با هم مخالف و متضاد باشند.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۵۹ و ۶۰)

۱۱۵- گزینه «۲»

(سبا پیغرزاده صابری)

همه نظرات این سه فیلسوف با دین اسلام سازگار نیست بلکه اکثراً و غالباً سازگار است. سازگاری بالا به این معنا نیست که هیچ تضادی وجود نداشته باشد. تضاد بین اندیشه‌ها امکان دارد و انسان با توجه به قدرت عقل و استدلال خود می‌تواند در مورد آن قضاوت کند.

سایر گزینه‌ها مطابق با نقدی است که جهت مخالفت‌های ذکرشده صورت گرفته و صحیح است.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه ۶۲)

۱۱۶- گزینه «۳»

(نیما پواهری)

مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند آفتاب است نسبت به چشم. همان‌طور که آفتاب نوربخشی می‌کند تا چشم انسان ببیند و بینا شود، عقل فعال نیز نخست چیزی به قوه عقلی آدمی می‌رساند به‌طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می‌شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می‌کند و به ادراک حقایق می‌رسد.

علل رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: عقل انسان خود فعالیت می‌کند و به شناخت می‌رسد. عقل فعال یاری‌گر عقل انسان است، نه این‌که تمامی شناخت‌های انسان تمام و کامل توسط عقل فعال به آن اعطا شوند.

گزینه «۲»: عقل انسان ممکن است همیشه و در همه مواقع به کمال و نهایت دانش‌های جهان دست نیابد.

گزینه «۴»: انسان با تزکیه نفس و عبودیت و بندگی است که به مرتبه شناخت شهودی و بی‌واسطه نائل می‌شود.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه ۶۳)

۱۱۷- گزینه «۲»

(نیما پواهری)

در دومین مرحله، یعنی عقل بالملکه، عقل مفاهیم و قضایای بدیهی را درک می‌کند، مثلاً می‌داند که یک چیز نمی‌تواند هم باشد و هم نباشد. در این مرحله است که انسان آمادگی دریافت علم را پیدا می‌کند و می‌تواند دانش‌ها را کسب نماید.

بدیهیات از طریق حس به دست نمی‌آیند، بلکه عقل آن‌ها را در خود می‌یابد. به عبارتی دیگر قضایای بدیهی شناختی برگرفته از جهان خارج نیستند، بلکه خود اساس تفکر و شناخت هر انسانی را تشکیل می‌دهند.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۶۴ و ۶۵)

۱۱۸- گزینه «۱»

(نیما پواهری)

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «هرکس برای خدا صفتی جدا از ذات قائل شود، او را قرین چیز دیگری ساخته و هرکس خدا را قرین چیز دیگری بداند، او را دو چیز انگاشته و هرکس خدا را دو چیز ببیند، برای او جزء قائل شده است.»



حدیث ذکرشده از نشانه‌های طرح مباحث علمی و عقلی و فلسفی و به کار گرفتن شیوه‌های مختلف استدلال در کلام پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان است که از زمینه‌های اولیه تقویت و تشویق رشد عقل و فلسفه در جامعه اسلامی است.

(فلسفه دوازدهم، آغاز فلسفه در جهان اسلام، صفحه‌های ۷۲ و ۷۳)

۱۱۹- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

مؤسس اول حکمت مشاء ارسطو می‌باشد و فارابی پایه‌گذار آن در عالم اسلام است (رد گزینه‌های ۱ و ۴). به این مکتب فلسفی به دو دلیل محتمل، حکمت مشاء می‌گویند. دلیل اول این که ارسطو عادت داشته به هنگام تدریس راه برود و به همین دلیل به مکتب فلسفی او، مشاء (راه‌رونده) گفته‌اند. دلیل دوم نیز می‌تواند آن باشد که از آنجایی که ارسطو بیشتر از قیاس برهانی بهره می‌برده و در این استدلال‌ها ما مدام در حال حرکت بین مقدمات و نتیجه هستیم، بنابراین این مکتب مشاء نام گرفته است (تأیید بخش اول گزینه‌های ۲ و ۳). بارزترین ویژگی این مکتب فلسفی صورت استدلالی آن است که به پیروی از ارسطو به وجود آمده و با نبوغ استدلالی فارابی و ابن‌سینا به اوج خود رسیده است. البته این موضوع بدین معنا نیست این مکتب (خصوصاً در عالم اسلام) کاملاً متکی به آراء ارسطو است، بلکه در فلسفه فارابی و ابن‌سینا، ناخواسته آثاری از اندیشه‌های افلاطون و نوافلاطونیان که عموماً با عقاید ارسطو ناسازگار است دیده می‌شود (رد بخش دوم گزینه‌های ۲ و ۴).

(فلسفه دوازدهم، آغاز فلسفه در جهان اسلام، صفحه ۷۴)

۱۲۰- گزینه «۲»

(نیمه پوهاری)

از نظر فارابی انسان موجودی مدنی بالطبع است که به حسب فطرت و طبع خود به جامعه گرایش دارد و می‌خواهد با هم‌نوعان خود زندگی کند. توجه کنید که زندگی در جامعه لزوماً متضمن سعادت نیست. بلکه صرفاً در یکی از انواع جامعه (مدینه فاضله) است که افراد در آن به اعمالی مشغول و به فضایی آراسته‌اند که آن‌ها را به سعادت در دنیا و آخرت می‌رساند.

از نظر فارابی مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی اجتماعی می‌گذرد و به همین جهت باید هدف اصلی جامعه و مدینه نیز سعادت دنیا و آخرت باشد. (پس سعادت فرد تابع سعادت جامعه و مدینه است و برای تضمین سعادت افراد یک جامعه باید به اصلاح جامعه و ساختار آن پرداخت ← دیدگاه اصالت جامعه)

(فلسفه دوازدهم، آغاز فلسفه در جهان اسلام، صفحه ۷۶)

۱۲۱- گزینه «۲»

(نیمه پوهاری)

از نظر ابن‌سینا حتی آنچه ظاهراً شر و بدی به نظر می‌رسد، مانند پژمرده شدن یک گل یا مرگ یک جاندار یا حتی وقایع ویرانگر طبیعی همچون سیل و زلزله، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می‌کنند. به همین جهت، با نگاه کردن به بخش کوچکی از جهان طبیعت نمی‌توان درباره آن داوری کلی کرد؛ مثلاً زرد شدن برگ‌های سبز درختان در پاییز برای کسی که فقط پاییز را می‌بیند، حادثه‌ای ناگوار تلقی می‌شود اما کسی که چهار فصل را مشاهده می‌کند، می‌داند که پاییز نقش ویژه خود را در اعتدال طبیعت به انجام می‌رساند.

پس سخن ابن‌سینا این نیست که نمی‌توانیم درباره خود پدیده‌های خاص هیچ داوری و قضاوتی انجام دهیم. مشخص است که یک پدیده می‌تواند نسبت به یک پدیده دیگر شر محسوب شود. مثلاً زلزله برای ما شر است و ممکن است به ما خسارت جانی و مالی وارد کند. حرف ابن‌سینا این است که نمی‌توان و نباید این داوری جزئی را به کل نظام طبیعت تسری داد و به طور مطلق گفت زلزله شر است. زلزله در مجموع نظام طبیعت موجب خوبی و فایده است و در نگاه کلی خیر است. پس هم می‌توانیم درباره خود پدیده‌ها به صورت نسبی داوری کنیم (مثلاً دریابیم که پدیده برای دیگری موجب خیر یا شر است) و هم با بررسی کل مجموعه درباره کل نظام طبیعت داوری کنیم (که به نظر ابن‌سینا به این می‌رسیم که در مجموع خیر است). اما نمی‌توان با دیدن یک پدیده جزئی درباره کل آن داوری کلی کرد.

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه ۸۱)

۱۲۲- گزینه «۲»

(فرهاد قاسمی نژاد)

سهروردی با احیای فلسفه نور و اشراق ایران پیش از باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی حکمت اشراق را پایه‌گذاری کرد.

دقت کنید که ریشه اساسی فلسفه اشراق در احیای فلسفه ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی است.

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه‌های ۸۳ و ۸۴)



۱۲۳- گزینه «۳»

(فرهادر قاسمی نژاد)

در فلسفه سهروردی علم موجودات به انوار مافوق خود به نحو شهودی است و معرفت انوار عالی به موجودات پایین تر به نحو اشراقی است.

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه ۸۴)

۱۲۴- گزینه «۱»

(فرهادر قاسمی نژاد)

میرداماد استاد ملاصدرا بنیان گذار حوزه فلسفی اصفهان بود.

(فلسفه دوازدهم، دوران متأخر، صفحه ۸۸)

۱۲۵- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

حکمت متعالیه حاصل تکامل و رشد مکاتب فلسفی پیش از خود یعنی حکمت مشاء و حکمت اشراق، به همراه آمیختگی قرآن و معارف وحیانی و همچنین آموزه‌های عرفان نظری از جمله تعالیم محی‌الدین ابن‌عربی، با وجود ملاصدرا می‌باشد. بنابراین هماهنگی سه رکن قرآن (معارف وحیانی)، عرفان و برهان (معارف عقلی و استدلالی) در این مکتب مشهود است (تأیید گزینه ۳).

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: خود ملاصدرا کسی بود که مکتبش را حکمت متعالیه نامید و نام کتاب اصلی او، «الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة» خود گویای همین موضوع است.

گزینه «۲»: با این که ملاصدرا در آثار خود از کشف و شهود و همچنین مضامین قرآنی به عنوان تأیید بهره جسته است، اما نمی‌توان مکتب او را یک طریقت یا مسلک عرفانی دانست.

گزینه «۴»: ملاصدرا اندیشه‌های ابن‌سینا و شیخ اشراق را کنار نگذاشت و رها نکرد، بلکه حکمت متعالیه حاصل رشد و تکامل همان مکاتب قبلی می‌باشد نه نفی کردن آنان.

(فلسفه دوازدهم، دوران متأخر، صفحه ۹۱)

۱۲۶- گزینه «۳»

(نیمه بواهری)

منظور از اصالت وجود این است که واقعیت خارجی مصداق و مابه‌ازای مفهوم وجود است و آنچه حقیقت خارجی را تشکیل می‌دهد در اصل همان وجود است و ماهیت وجود حقیقی و مستقل ندارد. بلکه در تحقق وابسته به

وجود است. در یک تمثیل بسیار دقیق و خوب اگر بخواهم نظر ملاصدرا را برایتان طوری توضیح دهم که کامل متوجه تله‌های احتمالی بشوید این است که وجود مانند یک شیء در جهان خارج است که تحقق حقیقی دارد و ماهیت همچون سابه آن است که تحقق حقیقی ندارد و صرفاً سایه‌ای است که متعلق به آن شیء است (از جهتی نمی‌توان گفت وجود ندارد. سایه وجود دارد. تحقق خارجی ندارد. اما نه یک وجود بالذات و مستقل، بلکه یک وجود عارضی و وابسته. امر اعتباری چنین چیزی است).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: هر دو مفهوم وجود و ماهیت ممکن است از شیء خارجی فهمیده شوند. در بحث اصالت وجود بحث ما درباره «مفهوم» نیست.

گزینه «۲»: هر مفهومی متعلق به ذهن است و اصلاً جای مفهوم در ذهن است! ربطی ندارد که مفهوم اصیل باشد یا اعتباری.

گزینه «۴»: اصالت وجود به معنای این نیست که ماهیت یک امر سراسر ذهنی و انتزاعی است و تحقق خارجی ندارد!

(فلسفه دوازدهم، دوران متأخر، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)

۱۲۷- گزینه «۳»

(نیمه بواهری)

سه اصل بنیادین فلسفی در نظر ملاصدرا عبارت‌اند از: ۱. «اصالت وجود»: واقعیت خارجی مابه‌ازای مفهوم وجود است و وجود همان امر اصیل است. در شعر هم بیان می‌کند که حقیقت همه امواج همان آب است. ۲. اصل «وحدت حقیقت وجود»: وجودهای مختلف و انواع و اقسام گوناگون وجود در عالم نداریم و در جهان وحدتی حقیقی حاکم است و اصل و حقیقت هر شیء یکی است. در شعر هم بیان می‌کند که امواج مختلف همه یک آب واحد هستند و تکثر حقیقی در جهان نداریم. ۳. اصل «مراتب‌داشتن وجود» که بیان می‌کند عمل کثرت و تفاوت اشیاء همان وجود است که امری دارای مراتب مختلف و شدت و ضعف است. در شعر هم اشاره می‌کند که کثرت فقط در امواج گوناگونی است که برخاسته از آبی یکسان هستند.



بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فقط بیانگر اصل «وحدت حقیقت وجود» است.

گزینه «۲»: فقط بیانگر اصل «اصالت وجود» است.

گزینه «۴»: مربوط به اصول سه‌گانه ذکر شده نیست و بیان می‌کند که هر عرض و وصفی وابسته به یک جوهر و اصل است. برای مثال اول باید جسم باشد و سپس وزن داشتن (که از اوصاف جسم است) معنا دارد.

(فلسفه دوازدهم، دوران متأخر، صفحه‌های ۹۲ تا ۹۵)

۱۲۸- گزینه «۴»

(هسین آفونری راهنمایی)

فلاسفه ایرانی تلاش کردند با بهره گرفتن از ذخیره ارزشمند فلسفی خود، فلسفه‌های جدید اروپایی را بفهمند و ارزیابی کنند.

با اینکه در این دوره فلسفه‌های اروپایی وارد ایران شد و توجه علاقه‌مندان را به خود جلب کرد، اما از آنجا که ایران در یک دوره طولانی مهد فلسفه بود و مکتب‌های بزرگ فلسفی، مانند مکتب مشاء و اشراق و متعالیه در آن رونق داشت، مواجهه بسیاری از فیلسوفان ایرانی و مدرسان فلسفه در ایران با فلسفه‌های اروپایی بدین صورت بود که تلاش کردند با بهره گرفتن از ذخیره ارزشمند فلسفی خود، فلسفه‌های جدید اروپایی را بفهمند و ارزیابی کنند.

(فلسفه دوازدهم، کلمت معاصر، صفحه ۹۸)

۱۲۹- گزینه «۱»

(نیما پوهاری)

علامه طباطبایی در سال ۱۳۲۵ برای تدریس علوم دینی به قم مهاجرت می‌کند. در ابتدای ورود به قم، به بررسی شرایط علمی و نیازهای فکری و فرهنگی جامعه می‌پردازد و مشاهده می‌کند که:

اولاً: اندیشه‌های جدید و مکتب‌های فلسفی که از اروپا به ایران آمده، به خصوص تفکرات ماتریالیستی و مکتب مارکسیسم، در حال گسترش در جامعه است.

ثانیاً: حوزه‌های علمیه آمادگی لازم برای مواجهه با این افکار و اندیشه‌ها را ندارد و تدریس فلسفه و مباحث فلسفی که می‌تواند زمینه نقد و ارزیابی مکاتب و اندیشه‌های جدید را فراهم کند، رونقی ندارد و مورد استقبال مدیران حوزه قرار نمی‌گیرد و در برنامه درسی طلب جایگاهی ندارد.

(فلسفه دوازدهم، کلمت معاصر، صفحه ۱۰۴)

۱۳۰- گزینه «۱»

(نیما پوهاری)

افراد جامعه را از نظر درخت اندیشه‌شان، می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱- کسانی که کمتر اهل اندیشه‌ورزی هستند و اصولاً یک نظام فکری مشخص شده برای خود ندارند. اینان زندگی‌شان را به تقلید از دیگران می‌گذرانند و تصمیم‌گیری آن‌ها تابع جو حاکم بر جامعه است.

۲- کسانی که وارد عرصه تفکر شده و دارای افکار فلسفی هستند، اما هنوز آن افکار فلسفی به خوبی در آن‌ها شکل نگرفته و هنوز نمی‌توانند میان آن افکار و مسائل زندگی ارتباط برقرار کنند. اینان، گاهی براساس افکار خود تصمیم می‌گیرند و گاهی بیرون از آن. اینان در حال رشد و پیشرفت هستند.

۳- برخی از افراد در انتخاب ریشه درخت و پایه نظام فکری خود دچار خطا و اشتباه شده و ریشه‌ای ناکارآمد و ناسالم در زمین زندگی قرار داده‌اند و در نتیجه، به یک سبک زندگی معیوب و ناسالم رسیده‌اند.

۴- گروهی از افراد نیز هستند که هم ریشه درخت فکری را به درستی انتخاب کرده‌اند و پایه‌های استواری برای نظام فکری خود ساخته‌اند و هم با دقت و تأمل فراوان و با عقلانیت بالا، شاخ و برگ‌های سالم و قوی و استواری از آن ریشه استنباط و استخراج کرده‌اند. در نتیجه، وقتی که به‌طور مثال، درباره فرهنگ صحبت می‌کنند، مخاطب فهیم می‌داند که این سخن دقیقاً برگرفته از مبانی فلسفی اوست و به همان ریشه بازمی‌گردد.

(فلسفه دوازدهم، کلمت معاصر، صفحه‌های ۱۰۸ و ۱۰۹)

